

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا به عزت تو خوارم مکن به جرم خطا شرمسارم مکن
چو من شرمسارم زروی تو بس به دیگر کسان شرمسارم مکن

اطلاعات عمومی

گنجینه دانش

گردآورنده و نویسنده: رحمان حسنی

اطلاعات عمومی

گنجینه دانش

گردآورنده و نویسنده: رحمان حسنی

شامل:

پندها و مثل‌ها؛

دانستنی‌های تاریخ؛

دانستنی‌های جغرافی؛

دانستنی‌های علوم اجتماعی؛

دانستنی‌های ادیان زنده جهان؛

دانستنی‌های ورزشی؛

دانستنی‌های پزشکی؛

دانستنی‌های عمومی؛

برای استفاده:

شرکت‌کنندگان در مسابقات علمی؛

شرکت‌کنندگان در مسابقات استخدامی؛

حل‌کنندگان جدول‌های اطلاعات عمومی؛

طالبان و شیفتگان و پژوهندگان علم و دانش؛

مقدمه

خداوند متعال را شاکر و سپاسگزارم که به این بنده‌ی حقیر توفیق عنایت فرمود تا بتوانم ثمره‌ی چندین سال تلاش مستمر خود را در زمینه‌ی اطلاعات عمومی به اتمام برسانم و بدین وسیله بتوانم گوشه‌ای ولو کوچک از نیازهای دانش آموزان و دانش پژوهان را در زمینه‌ی مسائل علمی و معلومات عمومی برآورده نمایم، امید است این مجموعه بتواند برای شیفتگان علم و جویندگان دانش مفید و مثمر ثمر واقع گردد.

بی تردید با همه‌ی تلاشی که مبذول و دقتی که معطوف گشته این مجموعه عاری از لغزش‌ها و خطاها نخواهد بود، از این رو از کلیه‌ی اساتید و صاحب نظران ارجمند استدعا دارد ضمن تذکر اشتباهات از ارائه راهنمای‌ها دریغ نورزیده و این لغزش‌ها و کاستی‌ها را با دیده‌ی اغماض بنگرند.

با سپاس بی‌کران از خداوند سبحان

جهت توفیق این خدمت.

رحمان حسنی

مردادماه ۱۳۹۹

فصل اول: پندها و مثلها

۱۷	پندها و مثلها و اصطلاحات عامیانه.....
۷۱	اصطلاحات عامیانه.....
۸۲	توضیح چند ضرب‌المثل.....

فصل دوم: تاریخ ایران

۸۹	ایران در یک نگاه.....
۸۹	ایران در دوران مختلف تاریخ.....
۸۹	۱- دوران پیش از آریایی‌ها.....
۹۰	۲- دوران پس از آمدن آریایی‌ها.....
۹۲	سلسله‌ی پادشاهی مادها.....
۹۳	سلسله‌ی پادشاهی هخامنشیان (پارسی‌ها).....
۹۸	اسکندر مقدونی و سلسله پادشاهی سلوکیان.....
۹۸	سلسله پادشاهی اشکانیان (پارتی‌ها).....
۱۰۰	سلسله‌ی پادشاهی ساسانیان (پارسی‌ها).....
۱۰۳	۳- دوران پس از اسلام (دولت خلافت اسلامی).....
۱۰۴	۴- دوران حکومت‌های محلی (در دولت خلافت اسلامی).....
۱۰۴	طاهریان: ۲۰۶ الی ۲۵۹ (ه.ق).....
۱۰۵	صفاریان: ۲۴۷ تا ۳۴۴ (ه.ق).....
۱۰۷	علویان طبرستان: ۲۵۰ الی ۳۱۶ (ه.ق).....
۱۰۷	دیلمیان آل زیار: ۳۱۶ تا ۴۳۳ (ه.ق).....
۱۰۷	دیلمیان آل بویه: ۳۲۰ الی ۴۴۷ (ه.ق).....
۱۰۹	سامانیان: ۲۷۹ الی ۳۸۹ (ه.ق).....
۱۱۰	غزنویان: ۳۵۱ تا ۵۸۲ (ه.ق).....
۱۱۲	سلجوقیان: ۴۲۹ تا ۵۹۰ (ه.ق).....
۱۱۴	سلاطین غور: ۵۴۳ تا ۶۱۲ (ه.ق).....
۱۱۴	خوارزمشاهیان: ۴۹۰ تا ۶۲۸ (ه.ق).....

۱۱۶	چنگیز خان مغول
۱۱۷	ایلخانان مغول و انقراض خلفای عباسی
۱۱۸	از آثار و ابنیه‌ی ایلخانان:
۱۲۰	۵- دوران حکومت‌های ملوک‌الطوایفی
۱۲۰	الف) اتابکان
۱۲۱	ب) سلسله‌ی آل جلایر
۱۲۱	ج) سلسله‌ی چوپانیان
۱۲۱	د) سلسله‌ی آل مظفر
۱۲۱	ه) خاندان اینجو
۱۲۲	و) سریداران
۱۲۲	ز) ملوک شبانکاره
۱۲۲	ح) آل کرت
۱۲۲	ط) قراختائیان کرمان
۱۲۲	گورکانیان (تیموریان)
۱۲۵	قراقویونلو
۱۲۵	آق قویونلو
۱۲۶	مرعشیان
۱۲۶	کیانیان (آل کیا)
۱۲۷	۶- دوران حکومت‌های ملی
۱۲۷	سلسله‌ی صفویه
۱۲۹	نادر (طهماسب قلی) در خدمت صفویه
۱۳۱	افشاریه و آغاز سلطنت نادرشاه افشار
۱۳۴	سلسله‌ی زندیه و ظهور کریم‌خان زند
۱۳۷	سلسله‌ی قاجاریه
۱۴۳	نخست‌وزیران حکومت قاجاریه بعد از مشروطیت
۱۴۵	سلسله‌ی پهلوی
۱۴۵	سلطنت رضاشاه
۱۴۶	سلطنت محمدرضا پهلوی
۱۴۸	شنیدنی‌های تاریخ

فصل سوم: جغرافیای ایران و جهان

جغرافیای ایران.....	۱۵۵
تقسیمات کشوری در ایران از آغاز تاکنون.....	۱۵۵
شناسنامه کشوری در سرشماری ۱۳۹۵.....	۱۵۷
شناسنامه استان‌ها در سرشماری ۱۳۹۵.....	۱۵۸
نام قدیم بعضی از شهرهای ایران.....	۲۳۷
شهرستان‌های بزرگ ایران در آمار سال ۱۳۹۵.....	۲۳۹
روند تغییرات جمعیت کشور از سال ۱۲۶۰ الی ۱۳۹۵.....	۲۴۲
روند تغییرات جمعیت مراکز استان‌ها از سال ۱۳۷۵ الی ۱۳۹۵.....	۲۴۳
رشته‌کوه‌های ایران.....	۲۴۵
رودخانه‌های بزرگ ایران.....	۲۴۹
دریاچه‌ها و باتلاق‌های ایران.....	۲۵۲
جزایر ایران در خلیج فارس و مساحت آن‌ها.....	۲۵۳
همسایگان ایران، حدود و موقعیت جغرافیایی ایران.....	۲۵۴
زلزله و زلزله در ایران.....	۲۵۶
زلزله‌های شدیدی که از سال ۱۲۸۸ در ایران روی داده است.....	۲۵۶
کمترین و بیشترین‌ها در جغرافیای ایران.....	۲۶۰
جغرافیای جهان.....	۲۶۱
لقب بعضی از کشورها و شهرهای جهان.....	۲۶۱
پایتخت، واحد پول، حکومت، زبان و دین رسمی کشورها.....	۲۶۲
مساحت قاره‌های جهان مساحت اقیانوس‌های جهان.....	۲۶۹
بیشت کشور کم جمعیت جهان.....	۲۶۹
بیشت کشور پر جمعیت جهان.....	۲۷۰
بیشت کشور پهناور جهان. بیشت کشور کم وسعت جهان.....	۲۷۱
کمترین و بیشترین‌های جهان.....	۲۷۲
دوران تکامل زندگی انسان‌های اولیه.....	۲۷۳
تقسیمات دوره‌ای زندگی انسان.....	۲۷۴
تعدادی از اصطلاحات مربوط به علم زمین‌شناسی.....	۲۷۴

فصل چهارم: دانستنی‌های اجتماعی

۲۷۹.....	چگونگی تشکیل سازمان ملل متحد.....
۲۸۰.....	دبیر کل‌های سازمان ملل متحد از بدو تأسیس تاکنون.....
۲۸۳.....	اعلامیه جهانی حقوق بشر.....
۲۸۸.....	معاهدات بین‌المللی.....
۲۸۹.....	تعدادی از پیمان‌ها، عهدنامه‌ها، قراردادهای، اتحادیه‌ها و سازمان‌ها.....
۲۹۶.....	جنگ‌های جهانی.....
۲۹۶.....	تقویم تاریخ (انقلاب تا انقلاب).....
۳۰۰.....	گاه‌شمار انقلاب اسلامی.....
۳۰۴.....	رؤسای جمهور ایران از آغاز تا سال ۱۳۹۸.....
۳۰۶.....	رؤسای قوه مقننه‌ی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا سال ۱۳۹۸.....
۳۰۷.....	رؤسای قوه قضائیه جمهوری اسلامی از آغاز تا ۱۳۹۸.....
۳۰۷.....	قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.....
۳۰۸.....	بعد از بازنگری و اصلاحات و تغییرات مصوب ۱۳۶۸.....
۳۰۸.....	فصل اول: اصول کلی.....
۳۱۱.....	فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم کشور.....
۳۱۵.....	فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی.....
۳۱۸.....	فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن.....
۳۱۹.....	فصل ششم: قوه‌ی مقننه.....
۳۳۰.....	فصل نهم: قوه مجریه.....

فصل پنجم: ادیان

۳۴۵.....	مقدمه‌ای بر فصل ادیان.....
۳۴۵.....	الف) دین ایرانیان از آغاز تا عصر حاضر.....
۳۴۶.....	ظهور زرتشت.....
۳۴۹.....	آیین مانی.....
۳۵۰.....	آیین مزدک.....
۳۵۱.....	ظهور اسلام.....
۳۵۱.....	ب) ادیان زنده‌ی جهان.....

فهرست مطالب

۳۵۱	 دین اسلام
۳۵۷	 گروه‌های انشعابی اسلام
۳۶۰	 مذاهب اسلامی
۳۶۰	 ۱- مذهب سنی
۳۶۴	 ۲- تشیع
۳۷۵	 مکتب‌ها و نظریه‌ها در دین اسلام
۳۸۰	 عرفان و طریقت در اسلام
۳۸۳	 نشانه لباس و پرچم چند مذهب در قدیم
۳۸۳	 پیامبران بزرگ از آدم تا خاتم به روایت قرآن و حدیث
۳۸۴	 دین یهود
۳۹۰	 دین مسیح
۳۹۵	 دین هندو
۳۹۸	 آیین جایی یا جنیزم (مذهب ریاضت)
۳۹۹	 دین بودا
۴۰۱	 آیین سیک (مذهب پیروان خدای واحد)
۴۰۳	 آیین کنفوسیوس
۴۰۶	 دین تائویی
۴۰۷	 دین شینتو
۴۰۸	 آیین آنمیس
۴۰۹	 آیین توتیمیس
۴۰۹	 آیین فیتیشیس
۴۰۹	 آیین ایزدی

فصل ششم: دانستنی‌های ورزشی

۴۱۵	 بازی و ورزش‌ها
۴۱۵	 فوتبال
۴۱۸	 تیم‌های قهرمان و نایب‌قهرمان در طی ۲۱ دوره از جام جهانی
۴۱۹	 بقیه بازی‌ها
۴۲۹	 بقیه ورزش‌های رزمی

۴۳۰	Olympic Games بازی‌های المپیک
۴۳۱	مشعل و پرچم بازی‌های المپیک
۴۳۲	جدول برگزاری المپیک از شروع بازی‌ها، سال ۱۸۹۶ تاکنون
۴۳۳	بازی‌های آسیائی
۴۳۳	جدول برگزاری بازی‌های آسیایی از سال ۱۹۵۱ تاکنون

فصل هفتم: دانستنی‌های پزشکی و سلامت

۴۳۷	خون و ترکیبات آن
۴۳۸	نقش هریک از فلزات و عناصر در خون انسان
۴۳۹	گروه‌های خونی
۴۴۰	کنترل دیابت
۴۴۰	مقدار آهن و پتاسیم در صد گرم از میوه و سبزی‌ها
۴۴۱	رنج نرمال چند نوع آزمایش خون در بعضی از کیت‌های آزمایشگاهی
۴۴۲	علامت اختصاری در دستورالعمل‌های پزشکی
۴۴۳	مواد غذایی و نقش آن در سلامتی انسان
۴۴۵	خواص خوراکی‌ها
۴۴۸	گیاهان دارویی
۴۴۹	طب سنتی یا طب گیاهی
۴۵۳	نقش ورزش در سلامت بدن
۴۵۴	نقش مخرب مشروبات الکلی بر بدن
۴۵۵	فواید و مضرات نوشیدن چای
۴۵۶	چند نوع بیماری شایع

فصل هشتم: دانستنی‌های عمومی

۴۶۷	اسب شناسی
۴۶۸	شترشناسی
۴۶۹	صفات موجودات
۴۷۰	اسامی بعضی از شغل‌هایی که در قدیم مورد استفاده واقع می‌شد؛
۴۷۰	نام تعدادی از ادارات در زمان قدیم
۴۷۱	پول‌های رایج قدیم

فهرست مطالب

۴۷۱	تبدیل درجه‌ی سانتی‌گراد به فارنهایت
۴۷۲	مبدأ تاریخ رومی و نام ماه‌های آن
۴۷۲	طریقه استفاده از نام حیوان برای سال‌ها
۴۷۲	تبدیل سال شمسی و میلادی قمری به یکدیگر
۴۷۴	اسامی ماه‌های سال در زبان‌های مختلف
۴۷۵	مقیاس واحدها در سیستم متریک و غیرمتریک
۴۷۸	بیشتر بدانیم
۴۸۰	زبان‌های مهم دنیا
۴۸۱	مکتب‌ها و مسلک‌ها و واژه‌های مهم سیاسی و فلسفی
۴۸۵	عجایب هفت‌گانه جهان
۴۸۶	عجایب هفت‌گانه طبیعی و معاصر جهان
۴۸۸	سبک‌های نقاشی
۴۸۹	مکتب‌های ادبی جهان
۴۹۱	شعر و شاعری
۵۰۰	رُسناس چیست؟
۵۰۲	حروف ابجد و موارد استفاده از آن
۵۰۲	حساب ابجد
۵۰۳	منابع و مأخذ

ایران در یک نگاه

فلات ایران که کشورهای ایران امروزی، افغانستان و قسمتی از پاکستان را نیز شامل می‌شد، مساحتی بیش از دو میلیون و شش صد هزار کیلومتر مربع داشت؛ که ایران امروزی تقریباً دوسوم از کل این مساحت؛ یعنی ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومتر مربع را در برمی‌گیرد، بقیه آن به کشورهای تعلقی گرفت که تدریجاً از ایران جدا شدند.

این فلات، نشیب و فراز بسیاری را به خود دیده و دوران زیادی را پشت سر گذاشته است و سلسله‌های پادشاهی و حکومت‌های گوناگونی را در خود پرورده است. لذا، سرگذشت این فلات پهناور را می‌توان به چندین دوران مختلف تقسیم کرد:

۱- دوران پیش از آریایی‌ها؛

۲- دوران پس از آمدن آریایی؛

۳- دوران خلافت اسلامی؛

۴- دوران حکومت‌های محلی در خلافت اسلامی؛

۵- دوران حکومت‌های ملوک‌الطوایفی؛

۶- دوران حکومت‌های ملی؛

ایران در دوران مختلف تاریخ

۱- دوران پیش از آریایی‌ها

از دوران پیش از آریایی‌ها، در مقابل پارینه‌سنگی هیچ آثاری از ایران کشف نگردیده. ولی در دوره‌های شل و موستر پارینه‌سنگی در کردستان، فارس، قفقاز، لرستان و باختر ارومیه آثاری کشف گردیده که نشان می‌دهد در این دوره، در بیشتر نواحی ایران زندگی بوده است، ولی از کم و کیف آن اطلاع دقیقی در دست نیست. اما در دوران نئوسنگی از آثار کشف‌شده معلوم می‌گردد که در آن زمان و در حدود ۸ الی ۱۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح، در ایران دوره وحشی‌گری بوده و انسان سعی در تصاحب محصولات طبیعت را داشته است؛ و تقریباً در تمام ایران زندگی بوده است و انسان سعی داشته از محصولات موجود در طبیعت به نفع خود استفاده کند؛ و نیز در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در فلات ایران اقوام

آشوری‌ها، بابلی‌ها، لیدی‌ها و سکیت‌ها.

مادها (مدها): مادها در کردستان و جنوب آذربایجان و اطراف همدان ساکن بودند و حکومت قبیله‌ای داشتند که بعدها دولت ماد را در هگمتانه (همدان فعلی) تشکیل دادند.

پارت‌ها: پارت‌ها در شمال خراسان و مازندران ساکن بودند و در نهایت دولت اشکانیان را به وجود آوردند.

پارسی‌ها: پارسی‌ها در مناطق فارس ساکن بودند و بعدها دو سلسله برجسته‌ی تاریخ ایران باستان یعنی هخامنشیان و ساسانیان را به وجود آوردند.

اورارتوها: اورارتوها در آرات و غرب دریاچه ارومیه به وجود آمدند و بعد توسط مادها از بین رفتند.
مانناها: مانناها در کناره‌های زرينه‌رود تشکیل حکومت دادند و در همان اوایل توسط مادها نابود شدند.

ایلامی‌ها: ایلامی‌ها در خوزستان، لرستان و بختیاری تشکیل دولت قدرتمندی را داده بودند که توسط مادها منقرض گردیدند. (بر اثر کاوش‌های که اخیراً از شهر شوش به دست آمده تاریخ ایلامی‌ها را به سه هزار سال قبل از میلاد محقق ساخته‌اند و مشخص شده که قبلاً دارای سلسله‌های پادشاهی بوده‌اند).
آشوری‌ها یا آشوری‌ها: آشوری‌ها در کردستان عراق تشکیل حکومت مقتدری را داده بودند که توسط مادها از بین رفتند.

بابلی‌ها: بابلی‌ها در جنوب عراق دولت بسیار نیرومند و متمدنی را به وجود آورده بودند و بسیاری از حکومت‌ها را به زیر سلطه‌ی خود درآورده بودند که توسط هخامنشیان منقرض گردیدند.

لیدی‌ها: لیدی‌ها در آسیای صغیر تشکیل حکومت داده بودند و توسط کوروش هخامنشی ساقط گردیدند.

سکیت‌ها یا ساکاها: سکیت‌ها که در اسطوره‌ها به عنوان توران از آن یاد می‌شود، در منطقه‌ای از کناره‌های غربی دریای مازندران تا قفقاز مستقر بودند.

هرکدام از این اقوام برای خود حکومتی به وجود آورده بودند که برخی از آن‌ها مانند ایلامی‌ها و آشوری‌ها و بابلی‌ها بسیار قدرتمند و دارای سپاه و ارتش سازمان‌یافته‌ای شده بودند.

ب) تشکیل سلسله‌های پادشاهی پس از آریایی‌ها

در این مبحث و مباحث بعدی، خارج از ادبیات داستانی و افسانه‌های مکتوب مثل شاهان مهاباد، جینان، یاسانیان و همچنین سلسله‌های پیشدادیان و کیانیان؛ سعی شده تمامی حکومت‌های که از آغاز تاکنون در دوران مختلف تاریخ، در ایران حکومت کرده‌اند و در کتاب‌های تاریخ موجود می‌باشند، به‌طور مختصر شرح داده شوند.

سلسله‌ی پادشاهی مادها

نخستین سلسله پادشاهی که در ایران شکل گرفت، سلسله مادها بود. مادها یکی از اقوام محلی بودند که در جنوب آذربایجان و کردستان و اطراف همدان می‌زیستند و در آن محل تشکیل حکومت کوچکی داده بودند.

دیاکو، سرسلسله‌ی این قوم، در سال ۷۰۱ قبل از میلاد توانست قوم ماد را که به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد، دور خود جمع کند و سازمان‌دهی نماید و تحت یک حکومت واحد درآورد. حکومت نوپایی که در زمان دیاکو تأسیس شده بود و باج‌گزار دولت آشور بود، در زمان پسرش فرورتیش نیز، همچنان باج‌گزار دولت آشور، باقی ماند و او به‌غیر از به اطاعت درآوردن یکی از اقوام آریایی در شرق کشورش کار دیگری از پیش نبرد؛ اما پسر او هوخشتره (کیاکسارس) نوه دیاکو، روزبه‌روز قدرتمندتر شد و توانست حکومت‌های محلی را یکی پس از دیگری به‌زانو درآورد و مطیع و باج‌گزار خود نماید.

هوخشتره یاکیاکسارس، در سال ۶۲۴ قبل از میلاد بر حکومت مانناها و در سال ۶۱۵ قبل از میلاد بر حکومت پارس‌ها و در سال ۶۱۴ قبل از میلاد بر دولت‌های مقتدر آشوری‌ها و ایلامی‌ها و در سال ۶۱۰ قبل از میلاد بر حکومت اورارتوها و نیز شمال بین‌النهرین غلبه یافت و سپس ارمنستان را نیز به تصرف خویش درآورد.

هوخشتره، بزرگ‌ترین پادشاه مادها، برای نخستین بار سراسر ایران را زیر یک پرچم واحد درآورد و بزرگ‌ترین قدرت ایرانی تا آن زمان را تشکیل داد. پس از او پسرش آستیایک (ایشتو ویگو) در سال ۵۹۰ قبل از میلاد بر ساکاها چیره گردید و تمام قلمرو آن‌ها را نیز به تصرف خود درآورد؛ و بدین ترتیب اولین امپراتوری ایرانی توسط مادها بوجود آمد. مادها، هگمتانه یا اکباتان (همدان امروزی) را به پایتختی خود برگزیدند و از سال ۷۰۱ پیش از میلاد؛ یعنی آغاز حکومت دیاکو تا سال ۵۵۹ پیش از میلاد؛ یعنی زمان مغلوب شدن آستیایک آخرین پادشاه مادها به دست کورش کبیر، با چهار پادشاه به مدت یک‌صد و چهل‌ودو سال بر این سرزمین پهناور فرمانروایی کردند.

دین مردم ایران در زمان مادها پرستش آیین کهن و قوای طبیعت بوده است.



قلمرو ماده



جنگ جویان مادها

سلسله‌ی پادشاهی هخامنشیان (پارسی‌ها)

در سال ۵۵۹ پیش از میلاد، کورش هخامنشی از حکومت پارس که باج‌گزار حکومت ماد بود، علیه دولت مادها شورش کرد و حکومت آن‌ها را ساقط نمود و تمام قلمرو ایشان را به تصرف خویش درآورد؛ و دولت قدرتمندی به نام امپراتوری بزرگ هخامنشی را بنیان‌گذاری نمود.

کورش علاوه بر قلمرو حکومت مادها، در سال ۵۴۶ (ق.م) دولت لیدی و در سال ۵۳۹ (ق.م) دولت قدرتمند بابل را نیز ضمیمه‌ی متصرفات خویش نمود؛ و برای نخستین بار در تاریخ جهان فرمان داد که

هر کس در باورهای دینی و انجام مراسم دینی خود آزاد باشد؛ و بدین طریق کوروش بزرگ، قانون سازگاری بین همه‌ی باورها را پایه‌گذاری نمود بردگان را آزاد نمود و با ملت‌های زیردست با عطف‌رفتار کرد و بدین گونه نخستین منشور حقوق بشر را بنیان نهاد؛ او بعد از تسخیر بابل، به‌استثنای دوسوم یونان، تمام دنیای باستان را به تصرف خویش درآورد و خود را پادشاه چهار پاره‌ی جهان نامید.



کوروش کبیر سرسلسله‌ی هخامنشیان



منشور کوروش کبیر



آرامگاه کوروش کبیر در پاسارگاد



چاپار هخامنشیان



داریوش اول پادشاه قدرتمند هخامنشی



جنگجویان هخامنش

پس از کوروش، پسرش کمبوجیه به پادشاهی رسید و برادر خود، بردیا را که یکی از مدعیان سلطنت

بود پنهانی به قتل رسانید و مرگ او را فاش نساخت و خود نیز برای تصرف مصر به آن کشور لشکر کشید. کمبوجیه در سال ۵۲۵ (ق.م) مصر را به تصرف خود درآورد ولی هنگامی که مشغول نبرد با مصریان بود، در غیاب او یکی از مغان درباری به نام گئوماتا که از قتل پنهانی بردیا باخبر گشته بود، خود را بردیا نامید و تاج و تخت هخامنشی را تصاحب نمود.

کمبوجیه در راه برگشت از مصر، با شنیدن این خبر افسرده و غمگین گشته و از شدت تأثر خودکشی کرد. بعد از برملا شدن نقشه گئوماتا یعنی بردیای دروغی، داریوش اول به کمک تنی چند از درباریان او را به قتل رسانید و تاج و تخت پادشاهی را از چنگ او به درآورد.

داریوش پس از فرونشاندن شورش‌های درونی و سرکوبی شورشیان، دولت هخامنشی را به وسیع‌ترین حدود خود رسانید و در داخل کشورهای زیر سلطه خود، دستگاه‌های کشوری و دیوانی منطقی درست کرد که بر اساس آن همه کشورها و استان‌های پیرو پادشاهی او بتوانند با یکدیگر و نیز با مرکز شاهنشاهی مربوط، از دیدگاه اداری هماهنگ باشند.

داریوش سرزمین‌های خود را از هندوستان و چین تا مصر و مقدونیه؛ یعنی آفریقا و اروپا گسترش داد و ایران را به سی ایالت تقسیم کرد و برای هر ایالت یک والی تعیین کرد و برای سهولت ارتباط با تمام نقاط کشور پهناور خود، چاپارخانه‌هایی در میانه‌ی راه‌ها دایر نمود تا چاپارها، با تعویض اسب‌های خسته و برداشتن اسب‌های تازه نفس، بتوانند خبرها و نامه‌ها را هرچه سریع‌تر به مقصد برسانند. داریوش در سال ۴۸۶ پیش از میلاد درگذشت، آرامگاه او به همراه چند تن دیگر از پادشاهان هخامنشی در بلندی کوه و در دل سنگ، در نقش رستم، واقع در نزدیکی تخت جمشید شیراز قرار دارد.

بعد از داریوش پسرش خشایارشا، بر تخت نشست و به یونان حمله کرد و سرزمین‌های بسیاری از جمله شهر آتن را به تصرف خود درآورد و معابد آن را طعمه‌ی آتش ساخت ولی به علت کبر و غرور و شهرپرستی نتوانست بزرگ‌ترین دولت جهان را که به ارث برده بود حفظ کند.

انحطاط دوره‌ی هخامنشی، از زمان خشایار شاه شروع شد و بعد از او پادشاهان هخامنشی که بر تخت سلطنت نشستند نتوانستند کاری از پیش ببرند، این پادشاهان به ترتیب عبارت بودند از: اردشیر دراز دست، خشایار دوم، داریوش دوم، اردشیر دوم، اردشیر سوم، ارشک و داریوش سوم که یکی پس از دیگری بر تخت سلطنت نشستند.

دولت هخامنشی از سال ۵۵۹ (ق.م)؛ یعنی زمان غلبه کوروش بر مادها تا سال ۳۳۰ (ق.م)؛ یعنی پایان سلطنت داریوش سوم و شکست او به دست اسکندر مقدونی، با یازده پادشاه، به مدت ۲۲۹ سال بر این کشور پهناور حکومت کردند.

بزرگ‌ترین پادشاه این سلسله، کوروش هخامنشی بود، این پادشاه در زمینه‌ی ارزش انسانی و حقوق بشر و احترام به فرهنگ و عقاید ادیان ملت‌های گوناگون از شهرت و محبوبیت جهانی برخوردار است.



آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم نزدیکی تخت جمشید



قلمرو هخامنشیان

اسکندر مقدونی و سلسله پادشاهی سلوکیان

اسکندر مقدونی، فرزند فیلیپ دوم پادشاه یونان، در سال ۳۳۰ قبل از میلاد، آخرین پادشاه هخامنشی، داریوش سوم را شکست داد و شهر پرسپولیس (تخت جمشید)، پایتخت باعظمت ایرانیان را به آتش کشید و ویران کرد و آثار فرهنگی آن را از بین برد و حکومت ۲۲۹ ساله هخامنشیان را ساقط نمود. اسکندر، هفت سال پس از تسخیر ایران، در سن سی‌وسه سالگی در حالی که هیچ فرزندی نداشت، درگذشت و امپراتوری بزرگ ایران را برای سرداران خود به ارث گذاشت.

جانشینان اسکندر (سلوکیان)

چون اسکندر پسر نداشت، بعد از مرگ زودهنگام او در سال ۳۲۳ قبل از میلاد، سرداران او پس از دوازده سال نبرد بر سر جانشینی او و کشته شدن بسیاری از آن‌ها، سرانجام قلمرو حکومت او را به سه قسمت: ایران، یونان و مصر تقسیم کردند. ایران که مهم‌تر از دو قسمت دیگر بود به سردار قدرتمند به نام سلوکوس رسید و به همین علت آن‌ها را سلوکیان نامیدند.

سلوکوس، در سال ۳۱۱ قبل از میلاد، سلسله‌ی سلوکی‌ها را در ایران بنیان‌گذاری کرد و پادشاهان این سلسله‌ی بیگانه تا سال ۲۵۰ پیش از میلاد بر ایران حکومت کردند.

پایتخت سلوکی‌ها، شهر تازه تأسیس سلوکیه در کنار رودخانه دجله بود و بعدها شهر انطاکیه در سوریه، پایتخت دیگر سلوکی‌ها شد. در مجموع اسکندر و سه پادشاه از جانشینان سلوکی او، از سال ۳۳۰ پیش از میلاد؛ یعنی سقوط کامل هخامنشیان تا سال ۲۵۰ پیش از میلاد؛ یعنی برچیده شدن بساط حکومت سلوکیان از ایران توسط اشکانیان، به مدت هشتاد سال بر ایران حکومت کردند.

سلسله پادشاهی اشکانیان (پارتی‌ها)

سرزمین پارت، در آغاز بخش کوچکی از امپراتوری سلوکیان، در شمال خراسان و مازندران بود که حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد، ارشک یا اشک از قبیله‌ی پارت، با مغلوب کردن ساتراپ سلوکیان، سرزمین پارت را متصرف و بر آن حاکم شد.

اشک، کوتاه زمانی پس از اعلام موجودیت در جنگ کشته شد ولی نام او با افتخار بر روی سلسله‌ای که تأسیس کرده بود گذاشته شد و این سلسله به اشکانیان معروف شدند.

پس از وی به ترتیب: تیرداد اول، اردوان اول، فری یاپیت، فرهاد اول، مهرداد اول؛ یعنی (اشک‌های دوم تا ششم) به تخت سلطنت نشستند. مهرداد اول، ششمین پادشاه اشکانی، آذربایجان، مرو، خوزستان و بابل را ضمیمه‌ی دولت خود نمود و لقب شاهنشاه بر خود نهاد و به دنبال او: فرهاد دوم، اردوان دوم، مهرداد دوم، ساناتروک، فرهاد سوم، مهرداد سوم و آرد اول؛ یعنی (اشک‌های هفتم تا سیزدهم) بر تخت سلطنت جلوس کردند.

فصل دوم: تاریخ ایران

مهرداد دوم، نهمین پادشاه و یکی از پادشاهان بزرگ اشکانی بود که سکاها را شکست سختی داد و مرزهای ایران را تا کوه‌های هیمالیا در شمال هندوستان گسترش داد.

آرد اول، سیزدهمین پادشاه اشکانی نیز از پادشاهان نامی ایران بود که سپاه روم به سرکردگی کراسوس را شکست داد و ارمنستان را تصرف کرد و از رومیان بیست هزار اسیر جنگی گرفت و جلو پیشروی دولت روم در آسیا را متوقف ساخت.

بعد از آن‌ها به ترتیب: فرهاد چهارم، فرهاد پنجم، آرد دوم، وانان، اردوان سوم، وردان، گودرز، وانان دوم و بلاش اول؛ یعنی (اشک‌های چهاردهم تا بیست و دوم) به ترتیب به سلطنت رسیدند.

فرهاد چهارم، چهاردهمین پادشاه اشکانی به محض این‌که بر تخت نشست پدر و برادران خود را به قتل رسانید، این پادشاه، سه بار با سپاه روم روبرو گردید و هر سه بار لشکر روم را شکست داد و چنان وحشتی در دل آن‌ها انداخت که تا یک قرن جرأت روبرو شدن با سپاه ایران را نداشتند.

بلاش اول، بیست و دومین پادشاه اشکانی نیز قبایل وحشی را که به شمال ایران تاخته بودند سرکوب کرد و ارمنستان را که تابع دولت روم بود به تصرف خود درآورد و به پسر خود تیرداد سپرد.

قیصر روم که در آن زمان نرون بود، یکی از بهترین سرداران خود را برای رفع این اهانت به ارمنستان روانه کرد، در این زمان پسر دیگر بلاش در گرگان بر پدر یابی شده بود و بلاش به سرکوبی او مشغول بود؛ در نتیجه، تیرداد به تنهایی از پس سپاه روم برنیامد و مغلوب شد؛ بلاش بلافاصله بعد از دفع شورش پسر یابی خود، به کمک تیرداد آمد و سپاه روم را شکست داد و با دولت روم مصالحه کرد مشروط بر این‌که تیرداد همچنان پادشاه ارمنستان باشد ولی تاج شاهی را نرون بر سر او بگذارد.

بعد از بلاش اول به ترتیب: خسرو، بلاش دوم، بلاش سوم، بلاش چهارم، بلاش پنجم و اردوان پنجم؛ یعنی (اشک‌های بیست و سوم تا بیست و هشتم) به تخت سلطنت نشستند. در زمان این پادشاهان دولت اشکانی تضعیف شد و سرزمین‌های زیادی را از دست داد و سرانجام اردوان پنجم، آخرین پادشاه اشکانی، به دست اردشیر بابکان کشته شد و این دودمان در سال ۲۲۶ میلادی به کلی منقرض گردید.

پارتی‌ها یا اشکانیان یکی از سلسله‌های ایرانی بود که به صورت یک امپراتوری بزرگ و نیرومندی درآمد، این امپراتوری به درجه‌ای از رشد سیاسی و اقتصادی رسید که در تاریخ به عنوان حکومت جهانی شناخته شد و سپاه روم بارها از این سلسله شکست خورد و ملزم به پرداخت غرامت جنگی و واگذاری سرزمین‌های زیر سلطه‌ی خود به اشکانیان گردید. پایتخت آن‌ها، نخست شهر صدرروازه (دامغان کنونی) بود بعد از آن اکباتان (همدان) و تیسفون در جنوب بغداد نیز به عنوان پایتخت‌های بعدی اشکانیان به شهر صدرروازه افزوده شدند.

سلسله‌ی اشکانیان از سال ۲۵۰ پیش از میلاد تا سال ۲۲۶ میلادی با ۲۸ پادشاه به مدت چهارصد و هفتاد و شش سال به صورت امپراتوری نیرومند بر خطه‌ی پهناور ایران زمین حکومت کردند. دین ایرانیان در زمان اشکانیان به دلیل آمیختگی هشتادساله با ادیان یونان از باورهای گوناگون و مخلوطی از آیین‌های

ایران و یونان تشکیل یافته بود که ازجمله‌ی این ادیان، زرتشتی، پرستش خدایان متعدد، دین یهودی و دین تازه تأسیس یافته‌ی مسیحی بود.



سلسله‌ی پادشاهی ساسانیان (پارسی‌ها)

اردشیر بابکان، یکی از امیران دولت اشکانی در ولایت پارس بود که در سال ۲۲۶ میلادی بر اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی شورید و او را به قتل رسانید و به حکومت امپراتوری اشکانی پایان داد و سلسله‌ی را در ایران تأسیس کرد که به نام جد او ساسان به ساسانیان معروف شد.

بعد از اردشیر پسر او به نام شاپور اول بر تخت نشست، او یکی از موفق‌ترین پادشاهان ساسانی به حساب می‌آید، زیرا ارمنستان را فتح کرد و ضمیمه‌ی امپراتوری ساسانی نمود و با تهوری کم‌سابقه در سال ۲۶۰ میلادی، سپاه روم را به‌زانو درآورد و والرین قیصر روم را به اسارت گرفت و اسیران گرفته‌شده در این پیکار را در خوزستان جهت ساختن راه و پل و سد به کار گرفت. بعد از او به ترتیب:

هرمز اول، بهرام اول، بهرام دوم، بهرام سوم، نرسی، هرمز دوم، آذر نرسی، شاپور دوم، اردشیر دوم، شاپور سوم، بهرام چهارم، یزدگرد اول، بهرام گور، یزدگرد دوم، هرمز سوم، فیروز اول، بلاش، قباد، خسرو انوشیروان عادل، هرمز چهارم، خسرو پرویز، قباد دوم و اردشیر سوم بر تخت سلطنت نشستند.

در میان آن‌ها شاپور دوم که در شکم مادر تاج شاهی را از آن خود کرده بود، در شانزده سالگی زمام امور را به دست گرفت و به شاپور ذوالاکتاف و نیز شاپور بزرگ مشهور گردید.

در مدت پادشاهی شاپور بزرگ که از تولد تا مرگ هفتادسال به طول انجامید بر تمام مشکلات زمان خود فائق آمد و ژولین، امپراتور روم را از پای درآورد.

۱- جغرافیای ایران

تقسیمات کشوری در ایران از آغاز تاکنون

ایران تا قبل از برقراری مشروطه یعنی سال ۱۲۸۶ هجری شمسی فاقد تقسیمات کشوری بود، در این سال بر طبق اولین قانونی که به تصویب رسید ایران به چهار ایالت به نام‌های:

الف) ایالت آذربایجان ب) ایالت خراسان

ج) ایالت فارس د) ایالت کرمان و بلوچستان

تقسیم شد، هریک از این ایالت‌ها نیز به نوبه‌ی خود به چند ولایت حاکم‌نشین و هر ولایت نیز به چند بلوک نایب‌الحکومه نشین تقسیم می‌گردید.

در سال ۱۲۸۷ هجری شمسی این تقسیمات شامل ۴ ایالت، ۳۸ ولایت و ۱۳۷ بلوک بود که تا سال ۱۳۱۶ (ه.ش) با تغییرات جزئی به همان صورت باقی ماند.

در سال ۱۳۱۶ با تصویب قانون جدید، ایران به ده استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد که استان‌ها هر کدام با شماره مربوط به خود، به ترتیب زیر مشخص می‌گردید:

استان اول مازندران استان دوم گیلان

استان سوم آذربایجان شرقی استان چهارم آذربایجان غربی

استان پنجم کرمانشاه استان ششم خوزستان

استان هفتم فارس استان هشتم کرمان

استان نهم خراسان استان دهم اصفهان

به علت تغییرات اجتناب‌ناپذیر، از این استان‌ها به تدریج تقسیمات دیگری منشعب شد. در سال ۱۳۲۶ (ه.ش) استان مرکزی با مرکزیت تهران و در سال ۱۳۳۶ استان سیستان و بلوچستان با مرکزیت زاهدان و در سال ۱۳۳۷ استان کردستان با مرکزیت سنندج از استان‌های دیگر جدا شدند و به ده استان قبلی اضافه گردیدند؛ به تدریج پنج فرمانداری کل نیز به وجود آمدند.

بنابراین تا سال ۱۳۴۰ ایران به سیزده استان و پنج فرمانداری کل تقسیم شد. تغییرات همچنان ادامه داشت، به طوری که در سال ۱۳۴۶ یکی از فرمانداری‌های کل، یعنی فرمانداری کل بنادر و جزایر دریای عمان با مرکزیت بندرعباس به استان هرمزگان تبدیل گردید و چند فرمانداری کل دیگر نیز به تعداد

آن‌ها اضافه گردید، یعنی تا سال ۱۳۵۰ ایران به چهارده استان و هشت فرمانداری کل تقسیم شد. در سال ۱۳۵۲ شش فرمانداری کل به نام‌های: فرمانداری کل همدان، فرمانداری کل لرستان، فرمانداری کل زنجان، فرمانداری کل یزد، فرمانداری کل بوشهر و فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری نیز به استان تبدیل گردیدند.

در سال ۱۳۵۳ استان ایلام با مرکزیت ایلام و در سال ۱۳۵۵ استان کهگیلویه و بویراحمد با مرکزیت یاسوج و استان سمنان با مرکزیت سمنان نیز بر تعداد استان‌ها افزوده شدند.

در سال ۱۳۵۷ استان مرکزی با مرکزیت اراک، از تهران جدا شد و استان تهران با مرکزیت تهران استان مستقلی گردید، به این ترتیب تا اول انقلاب تعداد استان‌های کشور به بیست و چهار استان رسید.

بعد از انقلاب، در سال ۱۳۷۲ استان اردبیل با مرکزیت اردبیل از آذربایجان شرقی و در سال ۱۳۷۵ استان قم با مرکزیت قم و به دنبال آن در سال ۱۳۷۶ استان قزوین با مرکزیت قزوین از استان تهران جدا گردیدند.

در سال ۱۳۷۶ همچنین استان گلستان به مرکزیت گرگان از استان مازندران جدا شد و در سال ۱۳۸۳ استان خراسان به سه استان: استان خراسان رضوی به مرکزیت مشهد، خراسان شمالی به مرکزیت بجنورد و خراسان جنوبی به مرکزیت بیرجند، تقسیم گردید.

در سال ۱۳۸۹ استان البرز نیز با مرکزیت کرج از تهران جدا شد؛ و به این ترتیب تعداد استان‌های کشور به سی و یک استان رسید.

بر اساس آخرین تقسیمات اداری سال (۱۳۹۵)، کشور ایران از ۳۱ استان، ۴۲۹ شهرستان، ۱۰۵۷ بخش، ۱۲۴۲ شهر، ۲۵۸۹ دهستان و ۶۲۲۸۴ آبادی دارای سکنه تشکیل گردیده است.

شناسنامه کشوری در سرشماری ۱۳۹۵

مساحت کشور	:	۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع
تعداد استان	:	۳۱ استان
تعداد شهرستان	:	۴۲۹ شهرستان
تعداد بخش	:	۱۰۵۷ بخش
تعداد شهر	:	۱۲۴۲ شهر
تعداد دهستان	:	۲۵۸۹ دهستان
تعداد آبادی	:	۶۲,۲۸۴ آبادی دارای سکنه
تعداد خانوار	:	۲۴,۲۱۱,۶۴۳ خانوار کل ۱۸,۱۲۵,۴۸۸ شهری ۶,۰۷۰,۵۴۷ روستایی
جمعیت کشور	:	۷۹,۹۲۶,۲۷۰ کل ۴۰,۴۹۸,۴۴۲ مرد ۳۹,۴۲۷,۸۲۸ زن
نسبت جمعیت	:	۷۴/۹٪ شهرنشین ۲۵/۰۸٪ روستانشین ۰/۰۲٪ غیر ساکن
مرکز استان	:	۴۸/۵ نفر در کیلومتر مربع

واحد تقسیمات کشوری

تقسیمات کشوری	اداره یا نهاد مرتبط	مقام مسئول
کشور	وزارت کشور	وزیر کشور
استان	استانداری	استاندار
شهرستان	فرمانداری	فرماندار
بخش	بخشداری	بخشدار
دهستان	دهداری	دهدار
شهر	شهرداری	شهردار
ده	دهیاری	دهیار

شناسنامه استان‌ها در سرشماری ۱۳۹۵

استان آذربایجان شرقی (در سال ۱۳۹۵)

سال تبدیل به استان :	۱۳۱۶ به‌عنوان سومین استان ایران.
مساحت استان :	۴۵,۴۸۱/۰۷۱ کیلومترمربع (رتبه یازدهم بین استان‌ها)
تعداد شهرستان :	۲۰ شهرستان
تعداد بخش :	۴۴ بخش
تعداد شهر :	۶۲ شهر
تعداد دهستان :	۱۴۲ دهستان
تعداد آبادی :	۲۷۱۰ آبادی دارای سکنه
تعداد خانوار :	۱,۲۲۳,۰۲۸ خانوار کل ۸۸۷,۱۴۳ شهری ۳۳۵,۸۷۸ روستایی ۷ غیر ساکن
جمعیت استان :	۳,۹۰۹,۶۵۲ کل ۱,۹۸۹,۴۰۰ مرد ۱,۹۲۰,۲۵۲ زن (رتبه ۶)
تراکم جمعیت :	۸۶ نفر در کیلومترمربع (رتبه نهم تراکم جمعیت)
مرکز استان :	شهرستان تبریز با جمعیت ۱,۷۷۳,۰۳۳ نفر (رتبه ۶ بین مراکز استان‌ها)

شهرستان‌های استان: (با رتبه جمعیت)

رتبه	نام شهرستان	جمعیت در آمار ۹۵ (نفر)	رتبه	نام شهرستان	جمعیت در آمار ۹۵ (نفر)
۱	تبریز	۱,۷۷۳,۰۳۳	۲	مراغه	۲۶۲,۶۰۴
۳	مرند	۲۴۴,۹۷۱	۴	میانه	۱۸۲,۸۴۸
۵	اسکو	۱۵۸,۲۷۰	۶	اهر	۱۵۴,۵۳۰
۷	شیراز	۱۳۵,۴۲۱	۸	بناب	۱۳۴,۸۹۲
۹	سراب	۱۲۵,۳۴۱	۱۰	ملکان	۱۱۱,۳۱۹
۱۱	آذرشهر	۱۱۰,۳۱۱	۱۲	بستان‌آباد	۹۴,۷۶۹
۱۳	عجب‌شیر	۷۰,۸۵۲	۱۴	هریس	۶۹,۰۹۳
۱۵	جلفا	۶۱,۳۵۸	۱۶	هشت‌رود	۵۷,۱۹۹
۱۷	ورزقان	۵۲,۶۵۰	۱۸	کلیبر	۴۶,۱۲۵
۱۹	خداآفرین	۳۲,۹۹۵	۲۰	چاراویماق (قرآغاچ)	۳۱,۰۷۱

نقاط دیدنی و جاذبه‌های گردشگری استان

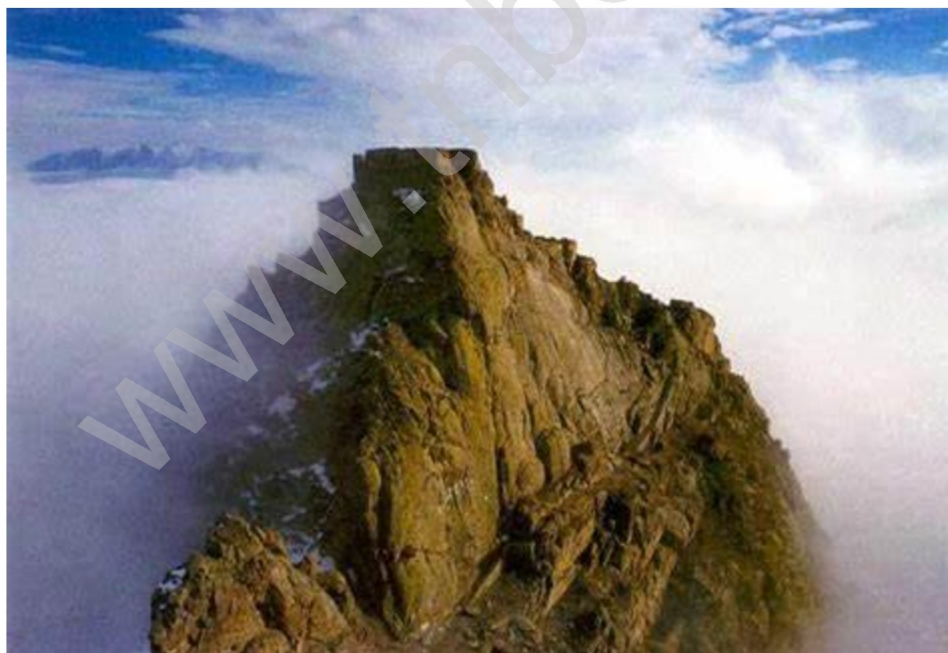
تبریز: ائل گلی (شاهگلی)، بازار امیر، مسجد تاج‌الدین علیشاه (آرک علیشاه)، مسجد کبود، ساختمان شهرداری تبریز، موزه شهر تبریز، باغ گلستان، مقبره شعرا، خانه مشروطیت، نارین قلعه سردری (سردرود)؛ **آذرشهر:** مسجد چهارسو (چارسی)؛ **اسکو:** منازل مسکونی روستای کندوان؛ **اهر:** بازار قدیمی شهر اهر، آرامگاه شیخ شهاب‌الدین اهری؛ **بناب:** مسجد تاریخی مهرآباد؛ **جلفا:** آبشار آسیاب خرابه، کلیسای سنت استپانوس؛ **سراب:** مسجد جامع سراب؛ **شبستر:** مسجد جامع تسوج، مسجد جامع شبستر؛ **عجب‌شیر:** دسترسی آسان در فصل تابستان به استفاده از آب و لجن دریاچه ارومیه و بنادر آن؛ **کلیبر:** آب گرم‌دره آبش احمد، قلعه بابک، قلعه پیغان، پل تاریخی خدا آفرین بر روی رودخانه ارس؛ **مراغه:** آثار تاریخی باقی‌مانده از رصدخانه و موزه مراغه، گنبد سرخ، برج یا گنبد کبود مشهور به قبر مادر هلاکو، آرامگاه اوحدی مراغهای، غار کبوتر (هامپوئیل)؛ **مرند:** مسجد جامع، مسجد بازار مرند؛ **میانه:** پل دختر، قلعه ضحاک، قلعه دختر؛ **ورزقان:** بقعه‌ی سید جبرئیل؛ **هشت‌رود:** قلعه ضحاک.



پارک ائل گلی (شاهگلی) تبریز



آبشار آسیاب خرابه جلفا



قلعه بابک کلیبر



روستای کندوان اسکو



کلیسای سنت استپانوس مقدس جلفا

آذربایجان غربی (در سال ۱۳۹۵)

سال تبدیل به استان :	۱۳۱۶ به‌عنوان چهارمین استان ایران.
مساحت استان :	۳۷,۴۶۳/۴۱۶ کیلومترمربع (رتبه دوازدهم بین استان‌ها)
تعداد شهرستان :	۱۷ شهرستان
تعداد بخش :	۴۰ بخش
تعداد شهر :	۴۲ شهر
تعداد دهستان :	۱۱۳ دهستان
تعداد آبادی :	۳۰۴۰ آبادی دارای سکنه
تعداد خانوار :	۹۴۵,۹۵۶ خانوار کل ۶۴۱,۱۰۳ شهری ۳۰۴,۸۳۷ روستایی ۱۶ غیر ساکن
جمعیت استان :	۳,۲۶۵,۲۱۸ کل ۱,۶۵۸,۳۱۸ مرد ۱,۶۰۶,۹۰۰ زن (رتبه ۸)
تراکم جمعیت :	۸۷ نفر در کیلومترمربع (رتبه هشتم تراکم جمعیت)
مرکز استان :	شهرستان ارومیه با جمعیت ۱,۰۴۰,۵۶۵ نفر (رتبه ۱۰ بین مراکز استان‌ها)

شهرستان‌های استان: (با رتبه جمعیت)

رتبه	نام شهرستان	جمعیت در آمار ۹۵ (نفر)	رتبه	نام شهرستان	جمعیت در آمار ۹۵ (نفر)
۱	ارومیه	۱,۰۴۰,۵۶۵	۲	خوی	۳۴۸,۶۶۴
۳	میاندوآب	۲۷۳,۹۴۹	۴	بوکان	۲۵۱,۴۰۹
۵	مهاباد	۲۳۶,۸۴۹	۶	سلماس	۱۹۶,۵۴۵
۷	پیرانشهر	۱۳۸,۸۶۴	۸	نقده	۱۲۷,۶۷۱
۹	سردشت	۱۱۸,۸۴۹	۱۰	ماکو	۹۴,۷۵۱
۱۱	شاهین‌دژ	۹۲,۴۵۶	۱۲	تکاب	۸۰,۵۵۶
۱۳	اشنویه	۷۳,۸۸۶	۱۴	شوط	۵۵,۶۸۲
۱۵	چایپاره (قره ضیال‌الدین)	۴۷,۲۹۲	۱۶	چالدران (سیاه چشمه)	۴۵,۰۶۰
۱۷	پلدشت	۴۲,۱۷۰			

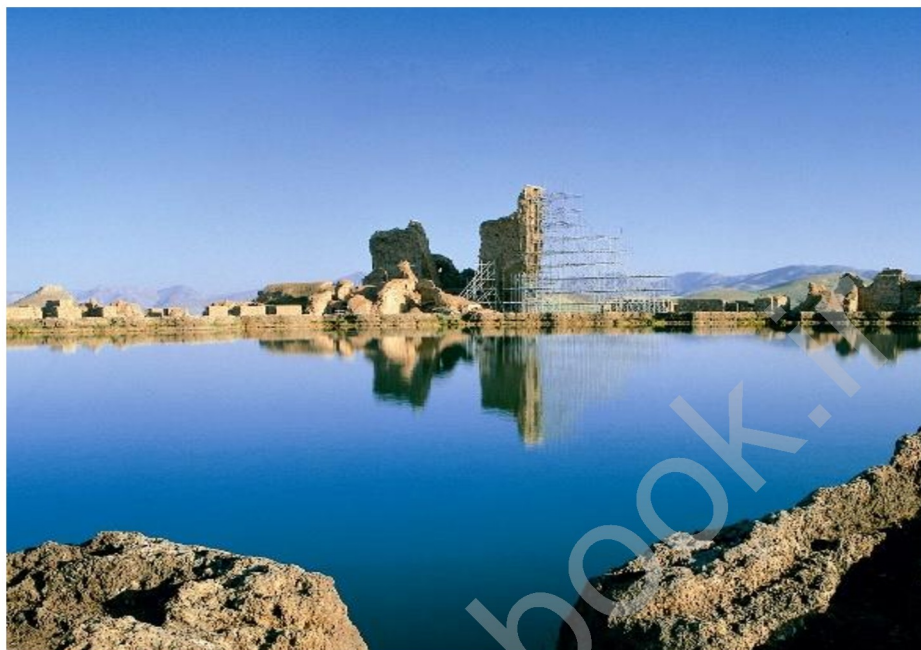
نقاط دیدنی و جاذبه‌های گردشگری استان

ارومیه: بازار ارومیه، موزه مردم‌شناسی ارومیه، گردشگاه و کلیسای سیر، بنای تاریخی سه گنبد، کلیسای ننه مریم، مجتمع گردشگری باری، دهکده ساحلی چی چست، پیست اسکی خوشاکو، دریاچه مارمیشو، آبشار سوله دُکل، کوه‌های بُز سینا، گردشگاه بند، گردشگاه دره شهدا (قاسملو)، دریاچه ارومیه، یخچال طبیعی دوققوز پله (نه پله) قلعه کاظم داشی، پارک ساحلی گلر باغی و اثلر باغی؛ **اشنویه:** کتیبه کله شین، چشمه و کتیبه تاریخی عین الروم، گردشگاه میرآباد؛ **بوکان:** تپه‌قلایچی، مقبره سردار؛

پیرانشهر: چشم‌انداز جنگل‌های طبیعی گردشگاه پردانان؛ **پلدشت:** سواحل رودخانه ارس؛ **تکاب:** مجموعه میراث جهانی تخت سلیمان، چمن متحرک چملی، آبشار قینرجه؛ **چالدران:** مجموعه میراث جهانی قره کلیسا (تادئوس)، کلیسای زُرزُر؛ **خوی:** برج مناره مقبره شمس تبریزی، دروازه سنگی، پل قطور؛ **سردشت:** آبشار شلماش، چشم‌انداز جنگل‌های طبیعی، سد سردشت، چشمه آب‌معدنی کانی گراوان، **سلماس:** کلیسای هفت‌توان، تپه ماقبل تاریخ اهرنجان، چشمه آبگرم (ایستی سو)؛ **شاهین‌دژ:** تپه باستانی قپان، پارک جنگلی؛ **قره ضیاالدین:** دژ بسطام؛ **ماکو:** کاخ‌موزه باغچه جوق، عمارت کلاه‌فرنگی، چشمه ثریا در منطقه بورالان، دخمه سنگی فرهاد، بافت تاریخی و قلعه قپان ماکو؛ **مهاباد:** گور دخمه و غار فخریگاه، غارآبی سهولان، سد مهاباد، تالاب کانی برازان؛ **میاندوآب:** موزه میاندوآب، سد زرینه‌رود؛ **نقده:** سد حسنلو، تپه تاریخی حسنلو، چشمه یدی‌گوز.



کلیسای (تادئوس مقدس) چالدران



تخت سلیمان تکاب



دریاچه مارمیشو ارومیه



دریاچه ارومیه



دریاچه ارومیه کاظم داشی



کوه و دریاچه دلامپر مرز سه کشور ایران، ترکیه و عراق ارومیه



پارک گلر باغی (دانشجو) ارومیه

چگونگی تشکیل سازمان ملل متحد

در تیرماه ۱۳۲۰ هجری شمسی در مرحله نخست جنگ جهانی دوم که کشور آلمان به پیروزی‌های پی‌درپی رسیده بود و چندین کشور را اشغال کرده بود نمایندگان کشورهای مغلوب که به انگلستان پناهنده شده بودند در قصر سنت جیمس بیانیه‌ای را صادر کردند که به بیانیه لندن معروف شد. در آن بیانیه قید کردند که: «یگانه اساس صلح بادوام همکاری ملل آزاد جهان است، در دنیایی که ترس و تعرض در آن نباشد و مردم به جان و مال خود مطمئن باشند، ما در اینجا جمع شده‌ایم که این منظور را در زمان جنگ و هنگام صلح تأمین نماییم».

سه ماه پس از صدور بیانیه لندن، روزولت رئیس‌جمهور آمریکا، وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلستان، در یک ناو جنگی در اقیانوس اطلس با یکدیگر ملاقات کردند و مسائل مهم جهانی را مورد بحث و بررسی قرار داده و منشوری را در هشت ماده، به نام منشور آتلانتیک شمالی امضاء کردند.

در آذرماه سال ۱۳۲۰ به پیشنهاد دولت انگلیس و با شرکت رئیس‌جمهور آمریکا و سفیر کبیر روسیه کنفرانسی در واشینگتن تشکیل گردید، از اقدامات اساسی این کنفرانس تنظیم اعلامیه ملل متحد بود که به امضای ۲۶ کشور جهان رسید و در آن کشورهای امضاء کننده متعهد شدند که از همه منابع و وسایل اقتصادی و نظامی خود برای غلبه بر دشمن مشترک یعنی آلمان استفاده نمایند و جنگ را تا پیروزی نهایی ادامه دهند (دولت ایران در تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۲۲ از حالت بی‌طرفی خارج شد و الحاق خود را به اعلامیه ملل متحد اعلام کرد و به دولت آلمان اعلان جنگ داد).

اعلامیه مسکو

در پاییز همان سال نمایندگان دولت‌های چین، روسیه انگلیس و آمریکا در شهر مسکو تشکیل جلسه دادند و طرح دیگری را تهیه و امضاء کردند که به اعلامیه‌ی مسکو معروف شد، امضاء کنندگان در این اعلامیه اظهار داشتند که «برای حفظ صلح و امنیت به نحو مؤثر تشکیل سازمان جهانی جدیدی ضرورت دارد»

در اسفندماه ۱۳۲۳ استالین نخست‌وزیر شوروی و چرچیل نخست‌وزیر انگلستان و روزولت رئیس‌جمهور آمریکا، یکدیگر را در یالتا (کرانه جنوبی شبه‌جزیره کریمه) ملاقات کردند و جزئیات این طرح را مورد مطالعه بیشتری قرار دادند.

این سه شخصیت از دولت‌های که قبلاً اعلامیه را امضاء کرده بودند و همچنین از کلیه کشورهای که

علیه آلمان و ژاپن می‌جنگیدند برای تشکیل کنفرانسی در سانفرانسیسکو دعوت به عمل آوردند. کنفرانس سانفرانسیسکو، از فروردین تا خرداد ۱۳۲۴ ادامه داشت و در چهارم تیرماه همان سال منشور ملل متحد به اتفاق آرا به امضاء ۵۱ کشور جهان رسید و بدین ترتیب سازمان ملل متحد ۵۱ عضو اصلی پیدا کرد و پس از آنکه منشور ملل متحد در سانفرانسیسکو به امضاء رسید و برای تصویب مقامات صلاحیت‌دار به کلیه کشورها ارسال شد تا مانند هر عهدنامه‌ی دیگر به تصویب مجالس قانون‌گذاری و رؤسای کشورها برسد. در ایران منشور ملل متحد در شهریور ۱۳۲۴ در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی به تصویب رسید.

سرانجام در دوم آبان ۱۳۲۴ برابر با ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ بعد از امضاء کردن کشورها، سازمان ملل متحد در مقر خود در شهر نیویورک امریکا تحقق یافت و آن روز به نام روز ملل متحد نامیده شد. مقر اروپایی سازمان ملل نیز در وین پایتخت اتریش قرار دارد.

دبیر کل‌های سازمان ملل متحد از بدو تأسیس تاکنون



۱- گلدوین جی اهل انگلستان  از ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ تا ۲ فوریه ۱۹۴۶ (موقت) اروپایی



۲- تریگ ولی اهل نروژ  از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۲ اروپایی



۳- داک هامر شولد اهل سوئد  از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۱ اروپایی



۴- اوتانت اهل برمه (میانمار)  از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۱ آسیایی



۵- کورت والد هایم اهل اتریش  از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ اروپایی



۶- خاویر پرز دکوئیار اهل پرو  از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۱ آمریکای جنوبی



۷- پطرس غالی اهل مصر  از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ آفریقایی



۸- کوفی عنان اهل غنا  از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۶ آفریقایی



۹- بان کی مون اهل کره جنوبی  از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ آسیایی



۱۰- آنتونیو گوترش اهل پرتغال  از سال ۲۰۱۷ تا؟ اروپایی

تعداد کشورها به تفکیک قاره

تعداد کشورهای قاره آسیا ۴۶ کشور، تعداد کشورهای قاره آفریقا ۵۴ کشور، تعداد کشورهای قاره اروپا ۴۷ کشور، تعداد کشورهای آمریکای شمالی و مرکزی ۲۷ کشور، تعداد کشورهای قاره آمریکای جنوبی ۱۲ کشور، تعداد کشورهای قاره استرالیا ۱۴ کشور و در مجموع ۲۰۰ کشور در دنیا وجود دارد.

کشورهای مستقل عضو سازمان ملل متحد

جمعاً ۱۹۲ کشور مستقل به ترتیب زیر عضو سازمان ملل می‌باشند.

آسیا ۴۵ کشور مستقل

اروپا ۴۴ کشور مستقل + ایرلند شمالی و جبل‌الطارق که مستعمره انگلیس می‌باشند.

آفریقا ۵۴ کشور مستقل

امریکا ۳۵ کشور مستقل و گویان فرانسه + منطقه پاناما که در استعمار امریکا می‌باشند.

اقیانوسیه ۱۴ کشور مستقل + ۲۵ جزیره مستعمره دارد.

جمعاً ۱۹۲ کشور مستقل ۴ کشور تایوان، واتیکان، کوزوو و گرینلند عضو سازمان ملل نمی‌باشند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد مرکب از پنج عضو دائم امریکا، روسیه، چین، انگلستان، فرانسه و همچنین ده عضو انتخابی که به‌صورت دوره‌ای از میان کشورهای عضو سازمان ملل انتخاب می‌گردند تشکیل شده، این شورا وظیفه‌ی پاسداری از صلح و امنیت جهانی را بر عهده دارد و تصمیمات آن به‌صورت قطع‌نامه صادر می‌گردد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

ماده اول

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند و همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده دوم

هرکسی می‌تواند بی‌هیچ گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌های که در اعلامیه‌ی حاضر ذکر شده است، بهره‌مند گردد.

ماده سوم

هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

ماده چهارم

احدی را نمی‌توان در بردگی نگاه داشت و دادوستد بردگان به هر شکلی که باشد ممنوع است.

ماده پنجم

احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرارداد که ظالمانه یا برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

ماده ششم

هرکس حق دارد شخصیت حقوقی او، در همه‌جا به‌عنوان یک انسان، در مقابل قانون شناخته شود.

ماده هفتم

همه در مقابل قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و به‌طور مساوی از حمایت قانون برخوردار باشند، همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد، علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به‌طور تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند.

ماده هشتم

در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار بدهد و آن حقوق به‌وسیله‌ی قانون اساسی و یا قانون دیگری برای او شناخته‌شده باشد، هرکس حق رجوع مؤثر به محکمه ملی و صالحه را دارد.

ماده نهم

احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف حبس یا تبعید کرد.

ماده دهم

هرکس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش، به‌وسیله‌ی دادگاه مستقل و بی‌طرفی، منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی باید، درباره‌ی حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزئی که به او متوجه باشد، اتخاذ تصمیم نماید.

ماده یازدهم

هرکس که به بزهکاری متهم باشد، بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد و تقصیر او قانوناً محرز گردد. هیچ‌کس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب آن عمل، به‌موجب حق ملی یا بین‌المللی جرم شناخته نمی‌شده است، محکوم نخواهد شد، به همین طریق هیچ مجازاتی شدیدتر از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق می‌گرفت، درباره‌ی احدی اعمال نخواهد شد.

ماده دوازدهم

احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم‌ورسمش، نباید مورد حمله قرار گیرد، هرکسی حق دارد که در مقابل این‌گونه

مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.

ماده سیزدهم

هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور نماید و محل اقامت خود را انتخاب کند و هرکسی حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و به کشور خود بازگردد.

ماده چهاردهم

هرکس حق دارد در برابر تعقیب و شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند، در موردی که تعقیب واقعاً مبتنی به جرم عمومی و غیرسیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد، نمی‌توان از این حق استفاده کرد.

ماده پانزدهم

هرکس حق دارد که دارای تابعیت باشد. احدی را نمی‌توان از تابعیت خود یا از حق غیر تابعیت خود محروم کرد.

ماده شانزدهم

هر زن و مرد بالغی حق دارند بی‌هیچ گونه محدودیتی، از نظر نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب، باهم دیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده دهند، در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال زن و شوهر در تمام امور مربوط به ازدواج دارای حقوق مساوی‌اند، ازدواج باید با رضایت کامل و آزادانه‌ی مرد وزن واقع شود و خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره‌مند شود.

ماده هفدهم

هر شخص به‌طور انفرادی یا جمعی حق مالکیت دارد و احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود.

ماده هیجدهم

هرکس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود، این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است، هرکس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً و به‌طور خصوصی و یا عمومی برخوردار باشد.

ماده نوزدهم

هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و این حق شامل آن است که از داشتن عقاید بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و دور از ملاحظات مرزی آزاد باشد.

ماده بیستم

هرکس حق دارد آزادانه مجامع و جمعیت‌های مسالمت‌آمیز تشکیل دهد و هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماع کرد.

ماده بیست و یکم

هرکس حق دارد در اداره‌ی امور عمومی کشور خود، خواه مستقیماً و خواه با وساطت نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند، شرکت جوید و هرکس حق دارد با تساوی شرایط، به مشاغل عمومی کشور برگزیده شود. اساس و منشأ قدرت حکومت اراده مردم است، این اراده باید به وسیله انتخاباتی ابراز گردد که از روی صداقت و به طور ادواری صورت پذیرد. انتخابات باید عمومی و با رعایت مساوات باشد و با رأی مخفی یا به طریقه‌ای نظیر آن انجام گیرد که آزادی رأی را تأمین کند.

ماده بیست و دوم

هرکس به عنوان عضو اجتماع، حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله‌ی مساعی ملی و همکاری بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه‌ی مقام و نمو آزادانه‌ی شخصیت اوست، با رعایت تشکیلات و منافع هر کشور به دست آورد.

ماده بیست و سوم

هرکس حق دارد کار کند و کار خود را آزادانه انتخاب کند و شرایط منصفانه و رضایت بخشی برای کار خود خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد و همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت دارند و هرکس که کار می‌کند به مزد منصفانه‌ی ذیحق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را مطابق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید؛ و هرکس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه نیز شرکت کند.

ماده بیست و چهارم

هرکس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و به خصوص به محدودیت معمول ساعت کار و مرخصی‌های ادواری با اخذ حقوق ذیحق می‌باشد.

ماده بیست و پنجم

هرکس حق دارد که سطح زندگانی و سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک و مسکن و مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند و همچنین حق دارد که در مواقع بیکاری و بیماری، نقص عضو، بیوگی، پیری یا در تمام موارد دیگر، به علل خارج از اراده‌ی انسان که وسایل امرارمعاش او از دست‌رفته باشد از شرایط آبرومندانه‌ی زندگی برخوردار باشد. مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوص بهره‌مند شوند. کودکان چه بر اثر ازدواج

و چه بدون ازدواج به دنیا آمده باشند حق دارند که همه از یک نوع حمایت اجتماعی برخوردار شوند.

ماده بیست و ششم

هرکس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود و آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل به روی همه باز باشد تا همه بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند شوند. آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هرکس را به حد کمال رشد برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام به عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را، در راه حفظ صلح تسهیل نماید. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

ماده بیست و هفتم

هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی و اجتماعی شرکت کند و از فنون و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. هرکس حق دارد از حمایت معنوی و آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار باشد.

ماده بیست و هشتم

هر کس حق دارد برقراری نظم را بخواهد که از لحاظ اجتماعی و بین‌المللی حقوق و آزادی‌هایی را که در این اعلامیه ذکر گردیده است، تأمین و آن‌ها را به مورد عمل بگذارد.

ماده بیست و نهم

هرکس در مقابل جامعه وظیفه‌ای دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد. هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه‌ی دموکراتیک وضع گردیده است، این حقوق و آزادی‌ها در هیچ مورد نمی‌تواند برخلاف مقاصد اصول ملل متحد اجرا گردد.

ماده سی‌ام

هیچ‌یک از مقررات اعلامیه‌ی حاضر نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولتی یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هر یک از حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه را از بین ببرد، یا در آن راه فعالیت بکند.

دیوان دادگاه لاهه

دیوان لاهه در سال ۱۹۴۵ در لاهه پایتخت هلند تأسیس گردید، این دادگاه مجاز به استفاده از

منشور سازمان ملل بوده و صلاحیت جهانی رسیدگی به دعاوی بین ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل متحد را بر عهده دارد.

معاهدات بین‌المللی

معاهدات بین‌المللی عبارت از قراردادهای هستند که میان اعضاء جامعه بین‌المللی و درباره‌ی تعهدات دولت‌ها با دخالت صریح دستگاه‌های صالح آنان منعقد می‌گردد. معاهداتی که یکی از طرفین آن دولت نباشد معاهده تلقی نمی‌گردد.

معاهدات بین‌المللی از نظر موضوع و محتوی به مودت، فرهنگی، سیاسی، بازرگانی، اقتصادی، فنی، علمی و غیره و از نظر مدت به کوتاه‌مدت و درازمدت و از نظر عنوان به عهدنامه، موافقت‌نامه، مقاوله‌نامه، تفاهم‌نامه، پروتکل و غیره، ... تقسیم می‌شود.

کنوانسیون

معمولاً به معاهدات بین‌المللی چندجانبه گفته می‌شود. همچنین کلمه کنوانسیون به معاهداتی اطلاق می‌گردد که مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی است.

اعلامیه یا اعلان‌نامه

معمولاً به معاهداتی اطلاق می‌گردد که قوانین و قواعد موجود را مسجل می‌کند و یا سندی است که در آن دو یا چند دولت خط‌مشی خود را در موردی بخصوص و سیاست مشترکی را که درباره‌ی آن اعمال خواهند کرد، اعلام می‌کنند.

عهدنامه

عهدنامه معمولاً به اسنادی گفته می‌شود که جنبه‌ی سیاسی و یا نیمه سیاسی دارند.

بیانیه

به معاهده‌ی چندجانبه‌ای اطلاق می‌گردد که نظم بخصوصی را به وجود بیاورد.

پیمان

به بعضی از معاهدات که اهمیت زیادی دارند و جنبه‌ی بین‌المللی آن‌ها خیلی زیاد است و برای موضوع خاص و معینی منعقد می‌شوند، پیمان می‌گویند.

پروتکل

به معاهده‌ی الحاقی یا متممی گویند که به معاهده‌ی قبلی اضافه می‌شود و یا تغییراتی در معاهده قبلی به وجود بیاورد.

مقاوله‌نامه یا صلح‌نامه

معاهده‌ای است که به موجب آن، طرفین متعاقد، اخلاقی را به حکمیت یا داوری ارجاع می‌دهند.

تفاهم‌نامه یا یادداشت تفاهم

این نوع سند معمولاً به معاهده‌های دوجانبه‌ای اطلاق می‌گردد که نماینده یا نمایندگان دو دولت بر سر موضوعاتی خاص که معمولاً اقتصادی، بازرگانی، صنعتی و غیره را در برمی‌گیرد، به توافق نهایی برسند.

تعدادی از پیمان‌ها، عهدنامه‌ها، قراردادها، اتحادیه‌ها و سازمان‌ها

پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای: (N.P.T)

این پیمان در سال ۱۹۶۸ به منظور جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای بین چند کشور محدود منعقد گردید.

به موجب این پیمان کشورهای جهان به دو دسته، کشورهای برخوردار از انرژی هسته‌ای و کشورهای غیر برخوردار تقسیم گردید.

کشورهای برخوردار کشورهای را در برمی‌گرفت که تا اول سال ۱۹۶۷ میلادی سلاح هسته‌ای را تولید کرده بودند.

کشورهای امریکا، چین، فرانسه، انگلستان و روسیه یعنی اعضای داییم شورای امنیت به طور رسمی دارای سلاح هسته‌ای بودند

از مجموع ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل ۱۸۸ کشور این پیمان‌نامه را امضاء نمودند کشورهای هند، پاکستان و اسرائیل آن را نپذیرفتند و کشور کره شمالی نیز در نهایت این پیمان‌نامه را نقض و از آن خارج گردید.

طبق این معاهده کشورهای دارای فناوری هسته‌ای (برخوردار) نباید به کشورهای غیر برخوردار در راه رسیدن به این فناوری کمک نمایند ولی طبق همین معاهده کشورهای برخوردار متعهد شدند که فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای را در اختیار کشورهای غیر برخوردار قرار دهند.

اتحادیه اروپا

در سال ۱۹۹۳ از اتحاد ۶ کشور، آلمان، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، هلند و لوکزامبورگ به وجود آمد. سپس ۲۱ کشور دیگر اروپایی از قبیل:

انگلستان، اتریش، اسپانیا، رومانی، سوئد، هلند، ایرلند، دانمارک، فنلاند، بلغارستان، اسلونی، یونان، استونی، اسلوواکی، پرتغال، چک، لهستان، مجارستان، لاتویا، قبرس و مالت نیز به این پیمان پیوستند.

مقر این اتحادیه در شهر ژنو سویس قرار دارد (انگلستان در اول فوریه سال ۲۰۲۰ مصادف ۱۱ بهمن ۱۳۹۸ رسماً از اتحادیه اروپا خارج شد).

پارلمان اتحادیه‌ی اروپا

مقر این پارلمان در استراسبورگ فرانسه قرار دارد و تعداد ۷۸۵ نماینده آن به نسبت جمعیت از کشورهای عضو این اتحادیه به ترتیب زیر انتخاب می‌گردند.

نام کشور تعداد نماینده نام کشور تعداد نماینده

۱- آلمان	۹۹ نفر	۱۵- اتریش	۱۸ نفر
۲- انگلستان	۷۸ نفر	۱۶- بلغارستان	۱۸ نفر
۳- فرانسه	۷۸ نفر	۱۷- فنلاند	۱۴ نفر
۴- ایتالیا	۷۸ نفر	۱۸- دانمارک	۱۴ نفر
۵- لهستان	۵۴ نفر	۱۹- اسلواکی	۱۴ نفر
۶- اسپانیا	۵۴ نفر	۲۰- ایرلند	۱۳ نفر
۷- رومانی	۳۵ نفر	۲۱- لیتوانی	۱۳ نفر
۸- هلند	۲۷ نفر	۲۲- لاتویا	۹ نفر
۹- چک	۲۴ نفر	۲۳- اسلونی	۷ نفر
۱۰- پرتغال	۲۴ نفر	۲۴- قبرس	۶ نفر
۱۱- مجارستان	۲۴ نفر	۲۵- استونی	۶ نفر
۱۲- یونان	۲۴ نفر	۲۶- لوکزامبور	۶ نفر
۱۳- بلژیک	۲۴ نفر	۲۷- مالت	۵ نفر
۱۴- سوئد	۱۹ نفر		
جمع کل	۲۷ کشور	۷۸۵ نفر (نماینده)	

(انگلستان در ۱۱ بهمن ۱۳۹۸ از اتحادیه اروپا و در نتیجه از پارلمان اروپا خارج شد.)

واحد پول اتحادیه‌ی اروپا

یورو، واحد پول اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ به صورت حواله و از سال ۲۰۰۲ رسماً به صورت اسکناس رواج پیدا کرد.

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا

دیوان دادگستری اتحادیه اروپا که در سال ۱۹۵۲ در لوکزامبورگ تأسیس گردید وظیفه تفسیر قوانین کشورهای عضو سازمان اتحادیه اروپا و اجرای همسان آن قوانین را در سطح کشورهای عضو بر عهده دارد. مقر این دیوان در لوکزامبورگ قرار دارد.

مقدمه‌ای بر فصل ادیان

عقلانه به نظر نمی‌رسد که در دنیای متمدن و مدرن کنونی که همه‌ی جوامع بشری از دین و مذهب و فرهنگ و آداب و رسوم همدیگر اطلاع کافی دارند و با علم بر اینکه دین و مذهب و آداب و رسوم هر قومی برای آن قوم مقدس و محترم است، عده‌ای از روی تعصب و ناآگاهی به مقدسات همدیگر توهین کرده و با یکدیگر به دشمنی برخیزند و به کشتار همدیگر بپردازند.

به نظر حقیر، باید به انسان‌ها و جوامع بشری این امکان را داد که با علم و آگاهی و اختیار کامل و با میل و رغبت در دنیای امروزی دین و باورهای خود را انتخاب کنند نه اینکه بازور آن‌ها را وادار به گردن نهادن به دین و باورهای خود نمود، زیرا پایه‌های ایمان تحمیلی سست و بی‌اعتبار خواهد بود و دست برداشتن از اعتقاداتی که از کودکی با گوشت و خون و استخوان او عجین گشته آن چنان سهل و آسان نخواهد بود.

از طرفی این ابتدایی‌ترین حق یک انسان است که به باور خود باور داشته باشد همان گونه که ابراهیم خلیل‌الله با عقل و منطق به باورهای خود جامه‌ی عمل پوشاند و خدای خود را با عقل و منطق پیدا کرد و پرستیدن بت‌های سنگی و مصنوعی را گرد ننهاده.

ما در این فصل از کتاب، دین را در دو قسمت جداگانه: مورد بررسی قرار خواهیم داد و به اعتقادات و باورهای مذهبی هر کدام به‌طور جداگانه خواهیم پرداخت.

الف) دین ایرانیان از آغاز تا عصر حاضر

ب) ادیان زنده‌ی جهان

الف) دین ایرانیان از آغاز تا عصر حاضر

دین عامه‌ی مردم ایران در دوران باستان، پرستش قوای طبیعت بوده که آن‌ها را دیوا (Divas) می‌نامیدند. دیواها، تجسم نیروی طبیعت مانند آفتاب، ماه، ستاره، آب، آتش، باد، خاک و غیره بودند و مردم آن‌ها را مسئول پدیده‌های طبیعی و دخیل در سرنوشت خود می‌دانستند و به آن‌ها پناه می‌بردند و درواقع اعتقاد به (پلی تیسم)؛ یعنی تعدد خدایان داشتند که تعدادی از آن‌ها عبارت بودند از:

آناهیتا (Anahita) خدای باروری و نعمت و باران.

میترا (mitra) خدای روشنایی و مهر و محبت.

اورواناشیل (Uruwnashil) خدای گنبد آسمان و حافظ نگهبان نظم جهان.

آگنی (Agni) خدای آتش در نزد آریایی‌های هند و ژرمن.

وایووا (vayu) خدای باد.

آشا (Asha) خدای عدل و داد و راستی.

یاما (yama) خدای مردگان.

فروشی (Fravashi) خدای روان محبوب نیاکان.

و ده‌ها خدای دیگر که هر کدام وظیفه‌ای به عهده داشتند و مردم عامه با تقدیم هدایا و قربانی کردن به پیشگاه آن‌ها از ایشان استمداد می‌طلبیدند. پرستش این خدایان، در نزد ایرانیان باستان تا ظهور زرتشت و کم‌وبیش بعد از آن نیز ادامه داشت.

ظهور زرتشت

با ظهور دین زرتشت در ایران، پرستش قوای طبیعت و خدایان متعدد کم‌کم جای خود را به پرستش اهورامزدا داد.

زرتشت، دهقان زاده‌ای بود از تبار آریایی که حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد مسیح در شمال غرب ایران یعنی آذربایجان کنونی متولد گردید و به باور زرتشتیان، در سی‌سالگی فرشته‌ی وهمنه؛ یعنی پندار نیک بر او ظاهر گردید و او را به پیشگاه اهورامزدا؛ یعنی خدای حکیم و توانا دعوت کرد و اهورامزدا به او تعلیم داد که او را به پیامبری برگزیده تا حقایق و تعالیم و تکالیف را به عالمیان بیاموزد.

زرتشت آیین خود را بر روی چند اصل قرارداد:

الف) اهورامزدا، او را به پیامبری برگزیده و دین او بهترین و کامل‌ترین ادیان است.

ب) از میان آن‌همه خدای متعدد، او اهورامزدا را که بالاترین و بزرگ‌ترین خدایان و آفریدگار دانا و تواناست برگزیده است.

ج) اهورامزدا، اراده‌ی قدوسی خود را به وسیله‌ی روح مقدس و نیک نهاد سپنتا مینو، از قوه به فعل درمی‌آورد و اعمال او به دستگیری شش روح مقدس امشاسپند، به اجرا درمی‌آید که عبارت‌اند از:

۱- وهمنه (بهمن) فرشته‌ی پندار نیک؛

۲- اشادهشتا (اردیبهشت) فرشته‌ی راستی و عدالت؛

۳- خاشترا (شهریور) فرشته‌ی نیرو و قدرت کامله؛

۴- هروتاد (خرداد) فرشته‌ی کامروایی؛

۵- آرامی تی (اسفندارمز) فرشته‌ی لطف و باروری؛

۶- امراتات (امرداد) فرشته‌ی بقا و جاودانی؛

د) بآنکه اهورامزدا در عرش جلال خود هیچ ضدی ندارد معذالک همان‌گونه که در برابر راستی، دروغ

و در برابر زندگانی، مرگ وجود دارد در برابر روح مقدس سپنتا مینو نیز، روان پلید انگره مینو قرارداد که این روان پلید باروح مقدس پیوسته در جنگ و جدال است.

سپنتا مینو انسان را به‌سوی گفتار نیک و پندار نیک و کردار نیک می‌خواند و انگره مینو آن‌ها را از این راه باز می‌دارد.

ح) اهورامزدا به آدمی اختیار و آزادی عمل عطا فرموده که میان دو راه خطا و صواب هریک را که بخواهد انتخاب کند.

اولین کسی که به او ایمان آورد پسرعموی ایشان به نام می‌دهی نیمون‌ها بود. پس‌ازآن زرتشت به دربار ویشناسپ پادشاهی از بلاد شرق ایران راه یافت. پادشاه و فرزند دلاورش اسفندیار و همچنین برادرش زین و کلیه‌ی امرا و درباریان شاه، به دین او گرویدند.

دو برادر از طبقه‌ی اشراف به نام‌های (فراشا ئوش ترا) و (جامناسپا) که در انجمن شاهی جایگاه ارجمندی داشتند، اولی دختر خود، به نام هووی را به زرتشت داد و دومی دختر زرتشت به نام پروسیتا را که از زن اول او بود به همسری انتخاب کرد و بدین ترتیب دین زرتشت در میان درباریان و تمام بلاد ایران رواج پیدا کرد.

کتاب مقدس زرتشتیان اوستا Avesta است که قسمت عمده‌ی آن از بین رفته است. مهم‌ترین قسمت اوستا یسنا است و آن مشتمل بر گاتاها یعنی سروده‌های پاک و خاص زرتشت می‌باشد، قسمت‌های دیگر اوستا یعنی ویسپرد که ادعیه و ستایش سران خلقت است؛ و همچنین وندیداد «داد بر ضد دیوها» مجموعه‌ی قوانین و احکام شرعی در بیان افسون‌های ضد شیاطین و دیوهاست و نیز یشت‌ها یعنی نعمات ستایش و خرده اوستا هستند که هیچ‌کدام در مرتبه‌ی وثوق و اعتماد به‌پای یسنا نمی‌رسند.

دینکرت نیز که یکی دیگر از کتاب‌های مذهبی زرتشتیان بود که در زمان استیلای اسکندر از بین رفته بود، تلاش اول پادشاه اشکانی اقدام به جمع‌آوری آن نمود و در زمان اردشیر بابکان جمع‌آوری آن به اتمام رسید.

اعتقادات بنیادین آیین زرتشت

۱	اهورامزدا خدای یگانه است.	۲	در جهان دو مبدأ خیر و شر وجود دارد.
۳	زرتشت فرستاده اهورامزدا است	۴	بهشت و جهنم وجود دارد.
۵	روز رستاخیز به پا خواهد شد	۶	سوشیانت‌ها (منجی‌ها) خواهند آمد.

مهم‌ترین آداب و رسوم دینی زرتشتی

۱- **آیین تشرف:** (پوشیدن سدره و گُشتی) بنابر آیین زرتشتی هر نوجوان با رسیدن به ۱۵ سالگی

سدره پوش می‌گردد. (سدره جامه‌ای از کتان به رنگ سفید و گُشتی کمربندی توخالی از پشم سفید)

۲- **روزه:** در مورد روزه در آیین زرتشت نیز باید گفته شود که روزه گرفتن و نخوردن آب و غذا به خاطر اینکه باعث سستی بدن و عدم فعالیت مفید و کار روزانه می‌شود حرام می‌باشد؛ اما برای افراط نکردن در خوردن گوشت حیوانات روزهای دوم و دوازدهم و چهاردهم و بیست‌ویکم همراه زرتشتیان از خوردن گوشت پرهیز می‌کنند این چهار روز متعلق به چهار امشاسپند و همن؛ که از حامیان چهارپایان هستند می‌باشد.

۳- **نماز و نیایش:** نماز یکی از راه‌های سپاسگزاری از بخشش‌های بی‌کران خداوندی است که در

آئین زرتشتی مورد توجه بوده و هر زرتشتی روزانه پنج گاه به نیایش اهورامزدا می‌پردازد.

هر نماز با این زمزمه آغاز می‌شود.

«باور دارم به دین مزدا پرستی که آورده زرتشت است. پیرو آموزش‌های اهورایی هستم که از دیو

(دروغ) و دوگانه پرستی به دور است. من یکتا پرست زرتشتی‌ام و تنها اهورامزدا را درخور ستایش می‌بینم».

نام پنج گاه نیایش (نماز روزانه) و زمان هر کدام بدین گونه است:

۱- **گاه اوشهن:** از سپیده‌دم تا برآمدن آفتاب.

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم فرشته‌ی پاسبان پگاه (اوشهی نای) پاک را.

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم آن سرور خانه (نمانا) که پاک و دادگستر و سازنده است.

من هم‌آره و در همه حال اهورامزدا، پروردگار یکتا را می‌ستایم.

۲- **گاه هاون:** از برآمدن آفتاب تا نیمروز.

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم فرشته‌ی پاسبان بامداد پاک و سازنده را (هاون).

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم آن سرور دهکده (ویس) را که پاک و دادگستر است.

من هم‌آره و در همه حال اهورامزدا، پروردگار یکتا را می‌ستایم.

۳- **گاه رپیتون:** از نیمروز تا سه ساعت از نیم روز گذشته.

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم فرشته‌ی پاسبان نیمروز را (رپتون)

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم آن سرور شهر (زنتو) را که پاک و دادگستر و سازنده است.

من هم‌آره و در همه حال اهورامزدا، پروردگار یکتا را می‌ستایم.

۴- **گاه ازیرن:** سه ساعت از نیمروز گذشته تا رفتن آفتاب.

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم فرشته‌ی پاسبان پسین پاک را (ازیرن)

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم آن سرور کشور (دخیو) را که پاک و دادگستر و سازنده

است. من هم‌آره و در همه حال اهورامزدا، پروردگار یکتا را می‌ستایم.

۵- گاه انیوسروثرم: از آغاز تاریکی شب تا پیش از سپیده‌دم.

من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم فرشته‌ی پاسبان شب (ایوی سروثرم) پاک را.
من می‌ستایم و ارج می‌گذارم و خشنود می‌کنم همه‌ی رهروان راه اشویی زرتشت را و سرور اشوان را.

من هم‌آره و در همه حال اهورامزدا، پروردگار یکتا را می‌ستایم.

لازم به توضیح است که نماز پنج‌گانه در دیانت زرتشتی ۲۷۰۰ سال قدمت دارد و از هیچ دین دیگری گرفته نشده است.

نماز و نیایش در آیین زرتشتی به سه طریق خوانده می‌شود:
(الف) خواندن با صدای بلند. (ب) خواندن به صورت زمزمه یا واج.
(ج) خواندن با منشن یا اندیشه بدون اینکه زمزمه‌ای شنیده شود.

نماز گروهی

خواندن نماز و نیایش به شکل گروهی در ستایش بر سه گونه می‌باشد:
موبد قسمتی از اوستا را خوانده و دیگران آن را تکرار می‌کنند.

اما نیایشی که امروزه در بین زرتشتیان متداول می‌باشد و خواندن آن نیازی به آداب و رسوم خاصی ندارد و در هر هنگام از شبانه‌روز می‌تواند آن را بخواند و سپاس خدای یگانه را بجای آورد.

آیین مانی

مانی در سال ۲۱۶ میلادی مقارن با سلطنت اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد، پدرش علی‌رغم ایرانی بودنش به دین بابلیان بود و مادرش پیرو آیینی آمیخته از مسیحیت و یهودیت بوده است.

مانی به صورت‌گر معروف بوده و در نقاشی بسیار مهارت داشت. او اظهار داشته بود که پیامبر واقعی اوست که از بابل برخاسته تا رسالت و مأموریت خود را به انجام برساند. مانی همچنین خود را فارقلیط یعنی پیامبری که حضرت عیسی نوید داده است می‌دانسته درحالی‌که می‌دانیم آن پیامبر حضرت محمد (ص) است.

مانی تشکیلات کلیسای خود را از حضرت عیسی آفرینش را از زرتشت و تناسخ را از بودا اقتباس کرده بود. در روز تاج‌گذاری شاپور اول مانی توسط پیروز، برادر شاه که به دین او گرویده بود به کاخ سلطنتی راه یافت و کتاب شاپورکان را به وی تقدیم داشت و از طرف ایشان در امان ماند و به فعالیت پرداخت.

از آثار دیگرمانی کتاب ارژنگ است که به انجیل مانی معروف است و برای مردمانی که خواندن و

نوشتن نداشتند تصاویر آن کتاب راهنما و آموزنده بود در طریقت مانوی خوردن گوشت و اختیار کردن همسر برای پیشوایان طراز اول دینی و ریش‌سفیدان و شیوخ و حواریون ممنوع بوده و بزرگ‌ترین گناه محسوب می‌شده است.

مانویان در روز چهار بار نماز می‌خواندند و دوازده بار در هر نماز سجده می‌کردند و در روز خورشید و در شب ماه، یعنی منشأ نور در هر زمان از شبانه‌روز را قبله تلقی می‌کردند. در روز یک‌بار خوراک می‌خوردند و در هفته دو روز، یعنی روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه می‌گرفتند و آنچه را از روزه‌ی آن روز می‌اندوختند به تهیدستان و بینوایان می‌دادند.

سرانجام کارِ مانی را متفاوت نوشته‌اند، به روایتی مانی را زنده‌زنده پوست‌کنده و در پوست او کاه ریختند و بر دروازه‌ی جُندیشاپور آویختند تا کسی اقدام به بدعت و قرار دادن دینی در مقابل دین ساسانیان یعنی زرتشتی نکند پیروان مانی از جمله حواریون و مبلغان و کشیشان مانوی همه قلع‌و‌قمع و نابود شدند.

آیین مانی هرچند برای مدتی کوتاه ولی در بین جامعه‌ی ایرانیِ آن زمان پیروانی زیادی از طبقه‌ی مستضعف پیدا کرد.

آیین مزدک

مزدک که خود از طبقه‌ی فقیر و بی‌چیز جامعه بود در زمان قباد یکم پادشاه ساسانی (۴۸۷ الی ۴۹۸) میلادی در حالی قد برافراشت که طبقه‌ی اشراف در ناز و نعمت به سر می‌بردند و هرروز بر تعداد زنان حرم‌سرای خود می‌افزودند و برعکس طبقه‌ی فقیر و بی‌چیز جامعه در وضع فلاکت باری به سر می‌بردند و این نارضایتی جامعه‌ی ساسانی را دچار آشوب و نابسامانی کرده بود. مزدک معتقد بود که رفع نفاق و دشمنی به جامعه آرامش می‌بخشد و برعکس نابرابری و کینه، آسایش را از جامعه سلب می‌کند او همچنین بر این باور بود که هیچ‌کس نباید فقیر باشد، باید از توانگران گرفت و به تهیدستان داد او می‌گفت که مال و زن هدیه‌ی خداوندی هستند و باید برای همگان یکسان باشند و به این منظور جهت اصلاح امور و رفع مشکلات طبقات بی‌چیز و ناتوان جامعه کمر همت بر بست با گرویدن قباد شهریار ساسانی و عده‌ای از درباریان به آیین مزدک و استقبال اکثریت طبقه مستمند جامعه، تعلیم این آیین توانست برای مدتی در جامعه‌ی ساسانی حاکم گردد. ولی این روش برای طبقه‌ی اشراف و موبدان و مالکان بزرگ و صاحب‌منصبان و آنان که به دنبال جاه و مقام بودند چندان خوشایند نبود.

تا این‌که به تحریک همین طبقات، خسرو یکم (انوشیروان دادگر) در اول سال ۵۲۹ میلادی، شخص مزدک و دیگر مزدکیان صاحب‌نظر را در باغی گردآورد و همه‌ی آن‌ها را در همان‌جا اعدام نمود. و بدین ترتیب آیین مزدک نیز که چندی بر جامعه‌ی ایرانی حاکم گشته بود برچیده شد.

ظهور اسلام

ظهور اسلام در عربستان و گسترش آن از هر سو باعث شد که در زمان خلافت خلیفه دوم ایران نیز به تصرف مسلمانان درآید و زرتشتیان ایران نیز با همزیستی با مسلمانان و احکام اسلام دین اسلام را با آغوش باز پذیرفتند.

بدین ترتیب بعد از گذشت حدود یک هزار و سی صد سال از رواج دین زرتشت در ایران، این دین هم تا حدودی به همراه سایر آیین‌ها از ایران برچیده شدند و همه‌ی ایرانیان به‌غیر از تعداد اندکی به دین مبین اسلام درآمدند.

از آن زمان تا به حال دین رسمی ایرانیان اسلام بوده و هست و اکنون به جرأت می‌توان ادعا کرد که کشور ایران یکی از اسلامی‌ترین کشورهای جهان اسلام محسوب می‌شود.

(ب) ادیان زنده‌ی جهان

دین اسلام

پیامبر بزرگوار اسلام در سال ۵۷۰ میلادی مطابق با سال عام الفیل، زمانی در مکه به دنیا آمد که پدر بزرگوارشان عبدالله بن عبدالمطلب پنج ماه بود دار فانی را وداع گفته بود. مطابق سنت عرب که نوزادان را به دایه می‌سپردند او را نیز به یکی از پاک‌ترین زنان، از قبیله بنی سعد به نام حلیمه بنت ابی ذویب سپردند.

محمد (ص) بعد از چهار سال پرورش در دامن طبیعت صحرائ عربستان، دوباره به آغوش مادر بازگشت، ولی بیش از دو سال نتوانست از وجود مادر بهره‌مند گردد و در شش‌سالگی مادرش آمنه بنت وهب نیز از دنیا رفت و او را باغم و اندوهی جانکاه تنها گذاشت.

پس از فوت مادر، عبدالمطلب، پرده‌دار کعبه و پدر بزرگ آن حضرت سرپرستی و امور معیشتی ایشان را به عهده گرفت و تا حدودی جای خالی مادر را پر کرد ولی افسوس که او نیز بعد از دو سال به دیار باقی شتافت و رسول خدا را در هشت‌سالگی تنها گذاشت.

از این به بعد تا ۲۴ سالگی در کنف حمایت عموی خود ابوطالب قرار گرفت و اکثراً با شغل چوپانی و گاه‌بازرگانی در معیت عموی خود مشغول گشت.

در ۲۴ سالگی سرپرستی کاروان تجاری خدیجه بنت خویلد را بر عهده گرفت.

صداقت و درستکاری و امانت‌داری که محمد (ص) در این راه از خود نشان داد باعث شد که به محمدامین ملقب گردد و خدیجه با آن زیبایی و ثروت بی‌حد و حسابش دل‌باخته‌ی وی شود و با میل و رغبت فراوان از او تقاضای ازدواج نماید و به عقد و نکاح او درآید.

پیامبر اسلام (ص) بعد از این ازدواج به تجارت و همچنین راز و نیاز با معبود خویش در غار حرا مشغول

اسب شناسی

اسب حیوانی است نجیب و باهوش، انسان از نخستین روزهای زندگی خود با این حیوان مأنوس بوده و در تمام مراحل زندگی خود، از او استفاده نموده است. در جنگ‌ها و مخاطرات و شادی‌های زندگی پیوسته در کنار انسان بوده و بسیاری از مواقع صاحب خود را از خطر مرگ رهانیده و با تمام وجود او را یاری و همکاری نموده است پس بهتر است آن را بیشتر بشناسیم.



رمة اسب (قَتَبَل)

اسب‌های معروف تاریخ

بُراق: اسب حضرت محمد (ص) در سفر به معراج؛	شیدیز: اسب خسرو پرویز؛
دُلْدُل: اسب حضرت علی (ع)؛	شینم: اسب فتحعلی شاه قاجار؛
ذوالجناح: اسب امام حسین (ع)؛	بوسفال: اسب اسکندر؛
طاویه: اسب حضرت امام حسن (ع)؛	پرستو: اسب نادرشاه افشار؛
عقاب: اسب حضرت ابوالفضل العباس (ع)؛	مارانکو: اسب ناپلئون بناپارت؛
جهان پیمّا: اسب پیشکشی فتحعلی شاه به ناپلئون بناپارت؛	رخش: اسب رستم، پهلوان

اطلاعات عمومی گنجینه‌ی دانش

جدول انواع اسب

ردیف	نوع اسب	به چه اسبی گفته می‌شود	ردیف	نوع اسب	به چه اسبی گفته می‌شود
۱	ابرش	اسبی که بر بدن او نقطه‌ها باشد	۲	ادهم	اسب سیاه رنگ
۳	کَهَر	اسب قهوه‌ای‌رنگ	۴	نیله	اسب بوز
۵	سَمَند	اسب زردرنگ	۶	اَشَهَب	اسب سیاه مایل به سبز
۷	خنگ	اسب سفیدرنگ	۸	هَیگر	اسب سرخ مایل به سیاه
۹	گَرند	اسب حنایی، زرد پررنگ	۱۰	چرمه	اسب دست‌وپا سفید
۱۱	گَمَت	اسب سرخ مایل به سیاه (هیگر)	۱۲	توسن	اسب سرکش
۱۳	چموش	اسب لگد زن	۱۴	ضَراج	اسب لگد زن (چموش)
۱۵	بارگی	اسب تندرو و قوی	۱۶	راهوار	اسب خوش‌راه و تندرو
۱۷	سیس	اسب چابک و جهنده تیزرو	۱۸	تَوَند	اسب تندرو
۱۹	یکران	اسب نجیب و آزموده	۲۰	حِصان	اسب نجیب و قوی
۲۱	بالاد	اسب تندرو بدک	۲۲	گُتل	اسب تندرو بدک (بالاد)
۲۳	جرده	اسب اخته، اسبی دو نژاده	۲۴	یام	اسب چاپار بدک
۲۵	هَیدَخ	اسب جوانی که به‌سختی رام شود	۲۶	تاتو	اسب کوتوله و پُر یال و دم
۲۷	بَها	اسبی که در رمه برای جفتگیری رها کنند	۲۸	مادیان	اسب ماده
۲۹	یورغه	اسبی که تند رود و سوار را تکان ندهد	۳۰	حَرُون	اسب سرکش (توسن)
۳۱	یورتمه	اسب چهارنعل که سوار را تکان دهد	۳۲	هَجین	اسب نا اصل
۳۳	سِتاغ	کره اسبی که پشت او زین گذاشته نشده	۳۴	یابو	اسب بارکش، نژاد نا اصل
۳۵	هولی	کره اسبی که هنوز سواری نداده			

کیماک: تنگ اسب

صَهیل: شیپهی اسب

قَتَبَل: رمه‌ی اسب

یراق: زین و برگ اسب.

اوستام: دهنه، افسار و زین و یراق اسب.

قرموت: خوراک اسب، مخلوط کاه و یونجه.

فَتراک: تسمه یا چرم باریکی که از عقب زین اسب می‌بندند

شترشناسی

در مورد شتر چه می‌دانید؟

شتر حیوانی است پر قدرت و مقاوم در مقابل تشنگی، بنابراین مساعد برای زندگی در مناطق بیابانی و کم آب می‌باشد و به همین خاطر در مناطقی مثل صحرای عربستان، شتر ارزش بسیار زیادی داشته و در صدر اسلام نیز از این حیوان استفاده‌ی قابل توجهی در سواری و حمل و نقل به‌عمل آمده است. انسان به خاطر ارزش زیادی که برای این حیوان قائل بوده، واحد شمارش آن را نیز برخلاف بقیه‌ی حیوانات که

فصل هشتم: دانستنی‌های عمومی

با رأس شمارش می‌کردند، مانند انسان به نفر شمارش نموده است.

انواع شتر

آبل: شتر	سدم: شتر به هیجان آمده و تیز شهوت.
هیون: شتر تندرو	جمل: شتر ماده
جمازه: شتر بزرگ قوی‌هیکل	لوک: شتر قوی‌هیکل بارکش
بختی: شتر قوی‌هیکل دوکوهانه سرخ‌رنگ	لاما: شتر بدون کوهان و کوتاه‌قد.
سائه: شتر نذری برای سلامتی از بیماری	قرن: شتری که آن را به شتر دیگر بسته باشند.
ساربان: شتربان.	ماهر: چوب‌دستی ساربان
هوید: جهاز شتر	وسق: بار شتر.
حام: شتر ده بچه‌زا.	بحیره: شتر پنج بچه‌زا و بچه‌ی پنجم نر

صفات موجودات

جدول موجودات در کدام صفت‌ها معروف‌اند؟

ردیف	نام حیوان	صفت معروف به آن	ردیف	نام حیوان	صفت معروف به آن
۱	اسب	در نجابت	۲	الاغ	در حماقت
۳	روباه	در مکر و فریب	۴	جغد	در شومی
۵	سگ	در وفاداری	۶	شتر	در استقامت
۷	بره	در سربه‌راهی	۸	عقرب	در نیش زدن
۹	زالو	در خون‌آشامی	۱۰	ساس	در خون‌خواری
۱۱	شیر	در شجاعت	۱۲	گرگ	در درندگی
۱۳	گاو	در سادگی و نفهمی	۱۴	غزال	در رمیدن
۱۵	تمساح	در اشک ریختن	۱۶	خرگوش	در به خواب رفتن
۱۷	کبک	در خرامیدن	۱۸	کلاغ	در خبرچینی
۱۹	عقاب	در تیزپروازی	۲۰	طوطی	در تقلید
۲۱	کبوتر	در پیک صلح بودن	۲۲	طاووس	در زیبایی
۲۳	بلبل	در نغمه‌خوانی	۲۴	جوجه	در ریزه میزه بودن
۲۵	مگس	در سماجت	۲۶	شترمرغ	در بهانه‌جویی
۲۷	گربه	در ناسپاسی و ملوسی	۲۸	مورچه	در سخت‌کوشی
۲۹	خوک	در کثیفی	۳۰	موش	در ترسویی
۳۱	لاک‌پشت	در کندروی	۳۲	کنه	در چسبندگی
۳۳	هدده	در دانایی	۳۴	مار	در خوش‌خط‌و‌خالی
۳۵	فرشته (موجود افسانه‌ای)	در مهربانی	۳۶	دیو (موجود افسانه‌ای)	در پلیدی

اسامی بعضی از شغل‌هایی که در قدیم مورد استفاده واقع می‌شد:

ردیف	نام قدیم	نام جدید	ردیف	نام قدیم	نام جدید
۱	بیطار	دامپزشک	۲	حداد	آهنگر
۳	جولاء	بافنده، نساج	۴	حلاج	پنبه‌زن
۵	جلاب	برده فروش	۶	جلاد	میرغضب
۷	چلنگر	قفل‌ساز	۸	چوب‌دار	فروشنده گاو و گوسفند
۹	تمار	خرما فروش	۱۰	حجام	خون‌گیر
۱۱	خراط	چوب تراش	۱۲	حناط	گندم فروش
۱۳	رزاز	برنج فروش	۱۴	ثبات	ثبت کننده
۱۵	خباز	نانوا	۱۶	دباغ	پوست پیرا
۱۷	دلاک	کیسه کش، سلمانی	۱۸	داروغه	رئیس کلانتری
۱۹	رمال	فال گیر	۲۰	حلاق	سلمانی، آرایشگر
۲۱	سراج	زین ساز، زین فروش	۲۲	درزی	خیاط
۲۳	سکاف	کفش فروش	۲۴	رویگر	سفیدگر، مسگر
۲۵	جزاف	صیاد	۲۶	جلواز	پاسبان، پاکار
۲۷	خراس	خم ساز، خم فروش	۲۸	جاشو	کارگر کشتی
۲۹	سمان	روغن فروش	۳۰	سماک	ماهی فروش
۳۱	سکاک	سکه زن، سکه فروش	۳۲	سقاء	آب دهنده، آب فروش
۳۳	سلاخ	پوست کن	۳۴	سیاح	جهانگرد
۳۵	صفار	رویگر	۳۶	صباغ	رنگرز
۳۷	سیاف	شمشیرزن	۳۸	دالاندار	نگهبان کاروانسرا
۳۹	طرار	جیب‌بر، تردست	۴۰	عیار	چالاک، تردست
۴۱	عصار	روغن گیر	۴۲	فراش	مستخدم، فرش گستر
۴۳	قزاق	ژاندارم	۴۴	قصار	گازر، رخت شور
۴۵	عطار	عطر فروش	۴۶	علاف	علف فروش
۴۷	طبال	طبل زن	۴۸	ضباط	ضبط کننده
۴۹	فلاح	کشاورز	۵۰	قناص	صیاد، شکارچی
۵۱	گازر	رخت شو	۵۲	گزمه	پاسبان
۵۳	مشاطه	آرایشگر	۵۴	مسگر	سازنده ظروف مسی
۵۵	مفتش	بازرس	۵۶	مقنی	چاه کن
۵۷	نداف	حلاج، پنبه زن	۵۸	نساج	بافنده، جولاء
۵۹	نقال	نقل کننده داستان	۶۰	یاور	سرگرد

نام تعدادی از ادارات در زمان قدیم

فصل هشتم: دانستنی‌های عمومی

ردیف	نام قدیم	نام جدید	ردیف	نام قدیم	نام جدید
۱	احصائیه	اداره آمار	۲	امنیه	اداره ژاندارمری
۳	تأمینات	اداره آگاهی	۴	صحبیه	اداره بهداشتی
۵	عدلیه	اداره دادگستری	۶	مالیه	اداره دارائی
۷	نظمیه	اداره شهربانی	۸	بلدیه	اداره شهرداری
۹	طُرق	اداره راه و ترابری	۱۰	دارالتأدیب	زندان
۱۱	دارالحکومه	فرمانداری	۱۲	دارالاماره	قصر فرمانروا
۱۳	دارالمجانین	تیمارستان	۱۴	دارالشفاء	بیمارستان
۱۵	دارالایتام	یتیم‌خانه	۱۶	دارالعجزه	نوانخانه
۱۷	دارالانشاء	دبیرخانه	۱۸	دارالرضاعه	شیرخوارگاه

پول‌های رایج قدیم

اولین سکه در جهان، در کشور لیدی ضرب شد، در ایران نیز اولین سکه در زمان داریوش اول هخامنشی به نام دریک یا داریک، از طلای خالص ضرب شد و از نقره نیز سکه‌ای به نام سیکو زده شد، پول‌های رایج زمان قدیم عبارت بودند از:

تومان، قران، عباسی، شاهی و دینار.

تومان = ده قران (ریال)

قران = پنج عباسی

عباسی = چهار شاهی

شاهی = پنج دینار

تومان = ده قران = پنجاه عباسی = دویست شاهی = هزار دینار

قران = پنج عباسی = بیست شاهی = صد دینار

سکه اشرفی = سکه‌ای از طلا معادل ۱۸ نخود و یا ۳/۵۱۵ گرم بود.

تبدیل درجه‌ی سانتی‌گراد به فارنهایت

برای تبدیل درجه سانتی‌گراد به فارنهایت، درجه‌ی سانتی‌گراد را در نه پنجم ضرب می‌کنیم و عدد ۳۲ را بر حاصل ضرب آن می‌افزاییم.

مثال: برای تبدیل ۳۷ درجه‌ی سانتی‌گراد به فارنهایت، چنین عمل می‌کنیم.

$$\text{درجه فارنهایت } ۹۸/۶ = ۳۲ + ۶ \times ۵/۹ = \text{نه پنجم} \times ۳۷$$

برای تبدیل درجه‌ی فارنهایت به سانتی‌گراد از رقم فارنهایت عدد ۳۲ را کم می‌کنیم و حاصل تفریق

را در پنج‌نهم ضرب می‌کنیم.

مثال: برای تبدیل ۱۰۰ درجه‌ی فارنهایت به سانتی‌گراد، چنین عمل می‌کنیم.

$$\text{درجه‌ی سانتی‌گراد } ۷/۳۷ = \text{پنج‌نهم } ۶۸ \times = ۳۲ - ۱۰۰$$

مبدأ تاریخ رومی و نام ماه‌های آن

سال رومی (سریانی) که مبدأ آن، مصادف با ابتدای سلطنت سلوکوس جانشین اسکندر می‌باشد، در روز دوشنبه از سال ۳۱۲ قبل از میلاد تعیین گردید و اکنون مورد استفاده بعضی از اقوام، از جمله عبری‌ها هم قرار گرفته است. تعداد روزهای آن مانند سال شمسی ۳۶۵ روز است و ماه‌های آن عبارت‌اند از:

- | | |
|-------------------------------|-------------------------|
| ۱ - کانون دوم (ثانی) (۳۱ روز) | ۷ - تموز (۳۱ روز) |
| ۲ - شباط (۲۸ روز) | ۸ - آب (۳۱ روز) |
| ۳ - آذار (۳۱ روز) | ۹ - ایلول (۳۰ روز) |
| ۴ - نisan (۳۰ روز) | ۱۰ - تشرین اول (۳۱ روز) |
| ۵ - ایاز (۳۱ روز) | ۱۱ - تشرین دوم (۳۰ روز) |
| ۶ - حزیران (۳۰ روز) | ۱۲ - کانون اول (۳۱ روز) |

طریقه استفاده از نام حیوان برای سال‌ها

برای این کار ابتدا نام حیوانات را به ترتیب زیر می‌نویسیم.

۱- موش ۲- گاو ۳- پلنگ ۴- خرگوش ۵- نهنگ ۶- مار

۷- اسب ۸- گوسفند ۹- میمون ۱۰- مرغ ۱۱- سگ ۱۲- خوک

برای محاسبه عدد شش را از سال موردنظر کم می‌کنیم، سال به دست آمده را بر دوازده تقسیم می‌کنیم عدد باقی‌مانده هرچه باشد ترتیب نام حیوان است و اگر باقی‌مانده صفر شد نام حیوان دوازدهم یعنی خوک خواهد شد.

$$۱۳۹۰ - ۶ = ۱۳۸۴$$

مثال: برای سال ۱۳۹۰

$$۱۳۸۴ : ۱۲ = ۱۱۵$$

سال موردنظر منهای عدد شش

$$۱۱۵ \times ۱۲ = ۱۳۸۰$$

خارج قسمت به دست آمده

$$۱۳۸۴ - ۱۳۸۰ = ۴$$

۴ عدد باقی‌مانده خواهد بود که بانام چهارمین حیوان یعنی خرگوش مطابقت دارد.

تبدیل سال شمسی و میلادی قمری به یکدیگر

تبدیل سال شمسی و میلادی به یکدیگر

برای تبدیل سال میلادی به سال شمسی و برعکس، عدد ۶۲۱ اختلاف سال تولد عیسی (ع) با سال هجرت حضرت محمد (ص) را از سال میلادی کم و به سال شمسی اضافه می‌کنیم. مثال

$$\text{سال میلادی} \quad ۱۳۹۰ + ۶۲۱ = ۲۰۱۱$$

$$\text{سال هجری شمسی} \quad ۲۰۱۱ - ۶۲۱ = ۱۳۹۰$$

تبدیل سال قمری و شمسی به یکدیگر

برای تبدیل سال هجری قمری به سال هجری شمسی و بلعکس سال موردنظر را در عدد یازده اختلاف روزهای سال شمسی با سال قمری ضرب می‌کنیم و عدد به‌دست‌آمده را بر ۳۶۵ تعداد روزهای سال شمسی و یا بر ۳۵۴ تعداد روزهای سال قمری تقسیم می‌کنیم و حاصل به‌دست‌آمده را از سال قمری کم و به سال شمسی اضافه می‌کنیم.

مثال: برای تبدیل سال ۱۳۹۰ هجری شمسی به تاریخ قمری چنین عمل می‌کنیم:

$$\text{سال شمسی ضربدر عدد یازده} \quad ۱۳۹۰ \times ۱۱ = ۱۵۲۹۰$$

$$\text{عدد به‌دست‌آمده} \quad ۱۵۲۹۰ : ۳۵۴ = ۴۳$$

$$\text{سال قمری} \quad ۱۳۹۰ + ۴۳ = ۱۴۳۳$$

سال قمری ضربدر در عدد یازده

$$۱۴۳۳ \times ۱۱ = ۱۵۷۶۳$$

$$\text{عدد به‌دست‌آمده} \quad ۱۵۷۶۳ : ۳۶۵ = ۴۳$$

$$\text{سال شمسی} \quad ۱۴۳۳ - ۴۳ = ۱۳۹۰$$

سال نوری

فاصله سیاره‌ها و ستاره‌ها را با سال نوری محاسبه می‌کنند بنابراین هر سال نوری از رابطه زیر به دست می‌آید.

۳۶۵ (روز) ضربدر ۲۴ (ساعت) ضربدر ۶۰ (دقیقه) ضربدر ۶۰ (ثانیه) ضربدر ۳۰۰،۰۰۰ (سرعت نور در ثانیه)

$$۳۶۵ \times ۲۴ \times ۶۰ \times ۶۰ \times ۳۰۰,۰۰۰ = ۹۴۶,۰۸۰,۰۰۰,۰۰۰ \text{ هر سال نوری به کیلومتر}$$

اسامی ماه‌های سال در زبان‌های مختلف:

بروج فلکی	سریانی	ترکی	آذری	کردی	قمری	زرتشتی	میلادی
حمل	کانون ثانی	اجاق	آغلار گولر	خاکه لیوه	محرم	چمن آرا	ژانویه
ثور	شُباط	شُباط	گولن آی	بانه مر	صفر	گل آور	فوریه
جوزا	آذار	مارت	قیزران آی	جو زردان	ربیع الاول	جان پرور	مارس
سرطان	نیسان	نیسان	قوره پیشیرن آی	پوش پر	ربیع الثانی	گرما خیز	آوریل
اسد	ایار	مائیس	قویروق دوغان	گلاویژ	جمادی الاول	آتش بیشه	مه
سنبله	حزیران	حزیران	زومار آی	خه رمانان	جمادی اثنی	جهان بخش	ژوئیه
میزان	تموز	تموز	خه زهل آی	ره ز بر	رجب	دژم خوی	جولای
عقرب	آب	آگوست	قیرو آی	خه زه لور	شعبان	باران ریز	آگوست
قوس	ایلول	ایلول	چيله آی	سه رما وه ز	رمضان	اندوه خیز	سپتامبر
جدی	تشرین اول	اکین	آذر آی	به فرانبار	شوال	سرما ماه	اکتبر
دلو	تشرین ثانی	کاسیم	دوندران آی	ری بندان	ذیقعه	برف آور	نوامبر
حوت	کانون اول	آرالیق	بایرام آی	ره شه مه	ذیحجه	مشکین ماه	دسامبر

توضیح: ماه‌ها به ترتیب از اول سال شروع شده است، مثلاً محرم ماه اول سال قمری اجاق ماه اول سال ترکی و ژانویه ماه اول سال میلادی و کانون ثانی ماه اول سال سریانی است.

۱- سال در ماه‌های بروج فلکی، آذری، کردی و زرتشتی در اول بهار مصادف با اول فروردین با سال شمسی تازه می‌گردد.

۲- سال در ماه‌های سریانی (رومی) اول کانون ثانی و در ترکی اول اجاق هم‌زمان با ماه‌های میلادی در اول ژانویه، مصادف با ۱۱ دی ماه تازه می‌گردد.

۳- سال در ماه‌های قمری اول ماه محرم و به‌صورت متغیّر با سال شمسی تازه می‌گردد.